

صد انقلاب بر اسر کوپ لبید، قبل از آنکه فرصت تو طئه یابد



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۴
دوشنبه خرداد ۱۳۵۹ - ۱۳ شماره ریبال

باردیگر « کمیسیون تحقیق » و تلاش مجدد دیر کل سازمان ملل متحد به سود آمریکا

خبر می رسد که کمیسیون تحقیق سازمان ملل باز دیگ بر برای حل مسئله «بحران بین ایران و آمریکا» به تهران خواهد آمد. بار اول قیافه واقعی این کمیسیون برای مردم ما ناشناخته بود. دیر کل سازمان ملل متحد را محافل سیاسی در ایران بقیه در صفحه ۲

نتایج یازدهمین کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی

ندادند. نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین، در جریان کار کنفرانس، پیشنهاد کرد که هیئت نمایندگی جمهوری دمکراتیک افغانستان، یعنی نماینده دولت قانونی آن کشور به کنفرانس دعوت شود. خود دولت چه روی دمکراتیک افغانستان نیز قبل از تشکیل کنفرانس آمادگی خود را برای شرکت در این کنفرانس جهت توضیح مواضع و رویه‌های جمهوری دمکراتیک افغانستان اعلام کرده و تعلق عضویت خود در کنفرانس کشورهای اسلامی را اقدامی غیر قانونی توصیف کرده بود.

با توجه به اظهارات اکثریت نمایندگان کشورهای شرکت کننده در کنفرانس و قطعنامه‌های مصوب در آن، همچنانکه انتظار میرفت، در این کنفرانس کوشش عمده در جهت برچسته کردن رویه‌های جمهوری دمکراتیک افغانستان و کمک نظامی اتحاد شوروی به آن کشور بود، که بموجب تقاضای دولت قانونی افغانستان انجام گرفته است. و همین مطلب موجب گردید که جو عمومی حاکم بر کنفرانس، که منطقی‌ما بایست علیه امپریالیسم آمریکا باشد، که با تعداد کثرت جنگی و گسترش حضور نظامی خود در منطقه و تیر نظامی نافرجم علیه جمهوری اسلامی ایران امنیت و استقلال تمام کشورهای این منطقه بویژه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را با خطری واقعی و جدی تهدید میکند، علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی بود. و شکست انگیز و ناسف‌آور اینکه، فعالیت هیئت نمایندگی ایران و شخص آقای قلی‌زاده وزیر امور خارجه، در این کنفرانس بیشتر در تشدید همین جو بود.

در اظهارات آقای قلی‌زاده در کنفرانس، زیر پوشش مقاومت در برابر تهدیدات «بر قدرتها» است اصل جمله متوجه اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک افغانستان بود، تا امپریالیسم آمریکا و تجاوز خارجی، در این کنفرانس بیشتر در تشدید همین جو بود.

صد انقلاب خنده گر فاجعه آفرین، با هزاران چشم و دست و پا گام است، تا کارهای شوم و تنگنوی خود را به دور انقلاب تند و آرا بکشد سازمانده ضد انقلاب و طرح اصلی توطئه، سازمان چینی سیاه است که شیریسی پیروزی ۲۸ مرداد ۴۵ سال سلطه غارتگرانه نکتی بار امپریالیسم آمریکا، آنی او را از طرح نقشه و نسیمه علیه انقلاب بازن داشته است.

یکی از اتباع اسرائیل، در نامه‌ای که به شورای انقلاب اسلامی ارسال داشته و این نامه در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ اول خرداد منتشر شده، فاش می کند که:

«پرسب دستور است مستقیم ارتش برای سرنگونی رژیم آیت‌الله خمینی نقشه‌ای تهیه شده است»

چنانکه گواہ آن بوییم، این نقشه زیر عنوان «نجات جان گروگانها» وارد عمل شد، ولی در نیمه راه ناموفق ماند.

نویسنده نامه افشای کند که: سرپرستی نظامی اسرائیل و آمریکا، بعضی از افسران ارتش و ساواکیهای تبعیدی در اجرای این نقشه همکاری دارند.

روزنامه «الشمس» چاپ بیروت می نویسد:

«در آستانه تجاوز نظامی آمریکا، ملاقاتی پنهانی میان نماینده ویژه کاخ سفید و شاه سابق صورت گرفت که نمایندگان فرماندهی نظامی مصر و اسرائیل نیز در آن شرکت داشتند»

در این ملاقات اقدامات مربوط به هماهنگی میان نیروهای نظامی و گروههای مخالف رژیم انقلابی ایران بررسی شد»

گروههای مخالف رژیم انقلابی ایران کیانده؟ سرمایه داران وابسته و فئودالها، ساواکیها، ضد انقلابیهای بازداشت شده و آزاد شده از زندان، که دوباره زیر چتر حمایتی ساواک و موساد گرد آمده و به توطئه‌های شیطانی آنان علیه استقلال و حاکمیت ما پیوسته‌اند.

نامه يك ساواکی فعال، که مجاهدین انقلاب اسلامی آنرا منتشر ساخته، تأییدی بر این مطلب است. ساواکی فعال می نویسد:

«توجه داشته باشید توطئه گران از اوایل انقلاب شروع به جمع آوری افراد تقریباً بسالای ساواکی و افسران گارد و توگره شاهی کرده و زیر چتر چیره خواری خود آنها را قرار داده‌اند، تا آنها هم تمام افراد زیر دست خود را که فراری و یا به لطف دولت موقت پخشیده شده‌اند، جمع آوری نمایند».

تردید نیست که صرف نظر از نخستین حته‌های بعد از انقلاب، که شناسایی و دستگیری ضد انقلاب، با عیاد انقلابی از سوی کمیته‌ها و پاسداران دنبال شد و اویرد و زیر این نقاب، خط‌خطی

جرم‌های سیدگی و احکامی متناسب با اهمیت جرم صادر کردند، به قدری چنان وضعی پیش آمده که نخست کار بازداشت‌ها و محاکمه‌ها به تسامح گراییده، عده‌ای از خائنان سرشناس را بسته به رژیم پیشین تک‌تک و بی سروصدا از زندان آزاد شدند و سپس فریاد پخشش مجرمان از سوی برخی گروهها، بر آوای عدالتخواهی خلق غلبه جست و ساواکی‌ها صسته دست‌ها زدن آنها روانه خانه‌هاشان شدند. اکنون پیوند نا- میون ساواکی‌ها و ضدانقلابی‌های مخفی و علنی، با سازمانهای سری ساواک و سیا و موساد در داخل و خارج کشور است که راه بر توطئه‌های سازمانهای جاسوسی گشوده و امیدهای تازه‌ای برای شیطانی بزرگ و هندستان آفریده است.

از جمله حلقه‌های اصلی توطئه «سیاه» علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران، ایجاد جو آشوب و تشنج و ویرانگری است که باید زمینه اجرای توطئه اصلی را فراهم کند. خاک در چشمها پاشد و بازیگران را بر صحنه آورد. تجربه‌های اخیر نشان میدهد که حمله ضد-انقلاب به مراکز احزاب، سازمانها و کتابفروشیها، حلقه‌های از حلقه‌های دسیسه‌های سازمان جاسوسی آمریکا علیه انقلاب ایران بوده است.

حزب توده ایران پیوسته از مسئولین اجرایی کشور خواسته است تا گروهک‌های مهاجر را شناسایی، تعقیب و مجازات کنند و امروز در نامه ساواکی فعال میخوانیم که این گروهک‌های تشنج و هرج و مرج بنام دفاع از این یا آن سازمان و یا زیر عنوان حزب‌الله عمل میکنند. ساواکی فعال در توضیح غرضهای فعالیت ضدانقلاب می نویسد:

«ایجاد آشوب در شهرها و شرکت در توطئه‌ها در توان گروه‌های طرفدار این سازمان یا آن سازمان و یا ظهور در نقش حزب-اللهی متحجر».

حزب توده ایران در برابر حملات سکرری که از سوی گروهکهای آشوب به مراکز حزب و دفتر نامه «مردم» در تهران و شهرستانها انجام گرفته است، با حفظ خونسردی و اقدام از طریق مراجع مسئول، پیوسته دستهای شکوکه حادثه آفرین را در دو سو نشان داده است. ما پیوسته به گروههای درگیر هشدار داده‌ایم که اعمال و اقدامات آنها عوارض باید در ترازوی عدله بودن مصالح انقلاب سنجیده شود. نباید به ضدانقلاب پنهان داد و زمینه را برای عملیات تخریبی آن آماده ساخت. امروز دیگر روزی نیست که ضدانقلاب با شمار دفاع از نظام مغرور شاهنشاهی وارد عمل شود، زیرا چنین چیزی ممکن نیست. امروز ضدانقلاب نقاب هواداری از جمهوری اسلامی، نقاب طرفداری از این یا آن سازمان باصطلاح چپ را بر چهره می- آویزد و زیر این نقاب، خط‌خطی

مخالف دادند. پلاتون موروزف، قاضی شوروی، که از ابتدای طرح دعوی آمریکا علیه ایران در دادگاه لاهه، با این اقدام مخالفت کرده است، اظهار داشت که آمریکا با اقدامات متعدد خود خسارات فراوانی به جمهوری اسلامی ایران وارد ساخته است، بنابراین چگونه می‌خواهد از این کشور طلب خسارت و زیان کند؟

موروزف، قاضی شوروی، ضمن انتقاد از نحوه برداشت آمریکا از عملیات نافرجم نجات گروگانها، اظهار داشت: «آقای والدوک اقدام آمریکا را جهت نجات گروگانها بی‌حقه توصیف میکند، در حالیکه این اقدام یک تجاوز آشکار علیه خاک جمهوری اسلامی ایران بوده است».

بدینسان یاد دیگر کشورهای سوسیالیستی و ضدامپریالیستی در برابر امپریالیسم آمریکا، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کردند و مرز بین دوستان و دشمنان انقلاب ایران را بار دیگر مشخص ساختند.

قضات اتحاد شوروی، لهستان و سوریه در دادگاه لاهه از حقوق ایران دفاع کردند

سوم خردادماه، دیوان داری لاهه با اکثریت آراء خواستار آزادی فوری ۵۲ گروگان آمریکایی در ایران شد. در حکم دادگاه لاهه که توسط سر هانری والدوک، رئیس انگلیسی این دادگاه قرائت شد، آمده است که ایران باید از بابت گروگان‌گیر فتنه‌شدن کارکنان سفارت آمریکا خساراتی به دولت آمریکا بپردازد. ایران طی دو نامه جداگانه به دادگاه لاهه اعلام داشته بود که مسئله گروگانها را نباید خارج از چارچوب روابط گذشته بین دو کشور مورد بررسی قرار داد. اما تقاضای دولت ایران در راس دادگاه لاهه مورد تأیید قرار

نکرفت. شما با نزد قاضی دادگاه بین المللی از عملیات نجات نافرجم کسروگانهای آمریکایی که در ۴ اردیبهشت صورت گرفت، انتقاد - وند.

قضات شوروی و سوریه با این نظر، که ایران تعهدات خود را در قبال آمریکا زیر پا گذاشته و همچنان به این کار ادامه میدهد، مخالفت کردند.

قضات شوروی و سوریه و لهستان به حکم دادگاه، درباره پرداخت خسارت از سوی ایران به آمریکا رأی

در صفحات بعد

نان
تنها با ایجاد بخش دولتی ارزان میشود
صفحه ۷

گام نخست در امر خود کفائی در کشاورزی: ساخت تراکتور ایرانی
صفحه ۳

کودکان این محله پای کوره‌های آهنگری پیر می‌شوند
محللات فقر - صفحه ۶

درباره روش دوستان ما در قبال خانواده و تحصیل
صفحه ۸

ورزش برای همه در اتحاد شوروی
صفحه ۸

خواستهای کارگران نانوائی‌ها
مسایل کارگری - صفحه ۴

روستائیان محمود آباد: زمینهایمان را گرفتند و در بدرمان کردند
مسایل دهقانی - صفحه ۵

محاکمه گردانندگان حزب به اصطلاح خلق مسلمان نشان داد: فتوادها، سرمایه داران بزرگ و مزدوران ساواک علیه انقلاب ایران توطئه می‌کنند
صفحه ۲

اعتراض افکار عمومی جهان به کشتار وحشیانه سپاهان آمریکایی گسترش می‌یابد
صفحه ۲

بیکار کردن شاغلین، کمک به ضد انقلاب است
صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

محاكمه گردانندگان باصطلاح حزب خلق مسلمان نشان داد:

فتوایها، سرمایه داران بزرگ و مزدوران ساواک علیه انقلاب ایران توطئه میکنند

می‌گویند تا بهر شیوه ممکن، انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران را با شکست مواجه سازند، وقایع تیریز نیز در زمره همین فعالیت‌های مخرب ضد انقلاب قرار داشت. آنچه عیان است این است که، به مانند وقایع تیریز، هر زمان که انقلاب راه تمیق را پیش گیرد، فعالیت ضد انقلاب نیز فروزی می‌گیرد. **دوم آنکه** آنچه که اکنون پس از گذشت چند ماه از این وقایع آشکار شده این است که امپریالیسم آمریکا، که رفته رفته تمیق انقلاب ایران را مخالف منافع و مقاصد خود می‌داند با کمک ایادی خود، از نوع متن مراعاتی در باصطلاح حزب خلق مسلمان - که نقش جاسوسی و توطئه گرانه وی آشکار شد - طرح توطئه عظیمی را علیه موجودیت انقلاب ایران تدارک دید. در این میان، سرمایه داران کلان و ملاکان بزرگ، که اکثریت شکننده آنان در باصطلاح حزب خلق مسلمان گرد آمده بودند و در واقع خود بانی آن بودند، به منظور بستن آرزوی منافع از دست رفته خود، در ایجاد و رهبری آشوبها نقش اصلی را بعهده داشتند. این عناصر کوشیدند تا اسلام انقلابی امام خمینی را تضعیف کنند و با علم کردن شعارهای به ظاهر اسلامی، مردم ناآگاه و ساده را به دنبال خود بکشانند و مردم آذربایجان را علیه رهبری انقلاب تحریک کنند. در این زمینه باصطلاح حزب خلق مسلمان، که مبنی «اسلام» نیز بود، نقش مخرب خود را به اوج خود رساند. و از آنجا که عناصر ضد انقلاب در زمینه کامل و مرتبط با یکدیگر عمل می‌کنند، عناصر ساواک و گروهک‌های مائوئیست از نوع ضد انقلابیون کومه له نیز در این انتشارات، رهبری تظاهرات چماقداران را بعهده داشتند. وقایع تیریز نمایانگر واقعیات دیگری نیز بود که ارتباط عناصر رژیم سابق، امپریالیسم و بورژوازی لیبرال و سبزشکار ایران از آنجمله است. این ارتباط زمانی به اوج خود رسید که پیام حسن تریه - عنصر وابسته و فراری که اکنون در فرانسه به فعالیت گسترده ضد انقلابی آشکار علیه انقلاب مشغول است - پس از اشغال رادیو تلویزیون تیریز توسط باصطلاح حزب خلق مسلمان از این مرکز پخش گردید. و از قرار معلوم باصطلاح حزب خلق مسلمان قصد داشتند تیریه را کاندید ریاست جمهوری کند.

بدین ترتیب وقایع تیریز بار دیگر نشان داد که چگونه امپریالیسم آمریکا - این دشمن اصلی انقلاب ایران - به کمک ایادی خود در همجا قصد انهدام انقلاب ایران را دارد. وقایع تیریز بار دیگر صحت هشدارهای حزب توده ایران را مبنی بر فعالیت گسترده ضد انقلاب - عناصر وابسته به رژیم سابق، سرمایه داران وابسته و ملاکان بزرگ - نشان داد. بویژه این واقعیت تأیید شد که چگونه سرمایه داران وابسته و ملاکان بزرگ با علم کردن «اسلام» از نوع باصطلاح حزب خلق مسلمان در حقیقت هیچ هدفی جز شکست انقلاب ایران ندارند. هشدارهای حزب توده ایران هنوز هم به قوت خود باقی است.

اقدام انقلابی اجرای عدالت درباره توطئه گران و دستگیری و محاکمه و مجازات ضد انقلابیون باید با قاطعیت ادامه یابد، ضد انقلاب در همجا و پس شکل بطور قطع سرکوب شود.

در تاریخ اول خرداد ۱۳۵۹، حکم اعدام متهمین به شرکت در اعمال ضد انقلابی و آشوبهای آذرماه ۵۸ در تیریز صادر شد. بنابراین حکم، محضرتما ایرانی و ابوالقاسم رستمخانی به اعدام محکوم شدند.

در جریان محاکمه این عناصر از جمله فاش شد که چگونه سرپرست کمیته شماره ۲ سابق تیریز و عنصر وابسته به باصطلاح حزب خلق مسلمان **محمد رضا پورانی** در اشغال رادیو - تلویزیون تیریز و توطئه صرف باید فرودگاه بمنظور مناسبت از فرود هواپیما دست داشته و آنرا رهبری کرده است.

در جریان این محاکمه همچنین فاش شد که چگونه عناصر وابسته به باصطلاح حزب خلق مسلمان متشکل در کمیته شماره ۲ سابق تیریز رهبری تظاهرات چماقدارستان و آشوب گران را در دست داشتند.

می‌توان به سراحت گفت که حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی ایران بود که در جریان آذرماه ۵۸ تیریز، عقب این توطئه ضد انقلابی را افشاء کرد و اهداف آنرا شناساند. حزب توده ایران، در همان دوران، بنا به ارزیابی خود متذکر گردید که:

«بروز حوادث ناگوار در تیریز نقطه از آنجا ناشی می‌شود که امپریالیسم و بازمالداران رژیم سرنگون شده پهلوی از همان آغاز انقلاب پیروزمند مردم ایران کوشیدند تا به وسیله ممکن انقلاب ما را با شکست روبرو سازند و آنرا فترتاً به جوی بازگردانند، بلکه تحریکات و توطئه‌های اخیر علاوه بر این واقعیت، نتیجه آنست که رهبری امام خمینی انقلابی بزرگتر از انقلاب اول در مبین ما آغاز شده است.»

(از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

در جای دیگر این اعلامیه آمده است:

«... باید دشمن اصلی و واقعی - امپریالیسم آمریکا را شناخت و برای ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم آمریکا، در مبین ما با استواری و قاطعیت عمل کرد. باید اهرمهای قدرت را در تمام زمینه‌ها از پایگاه اجتهادی امپریالیسم - سرمایه داری بزرگ و زمینداری بزرگ - گرفت. باید هر چه سریعتر و قاطعتر گامهای عملی برای بهبود وضع زندگی زحمتکشان و تامین حقوق ملی خلقهای ایران برداشت. باید دستگاه دولتی و ارگانه‌های انقلاب را از عناصر ناپاک و مشکوک و عوامل ضد انقلاب پاکسازی کرد.»

از این رو اجرای عدالت درباره این متهمین، کاملاً مورد تأیید حزب توده ایران و سایر نیروهای انقلابی قرار دارد.

از آنجا که فعالیت گسترده ضد انقلاب در تیریز و سایر نقاط کشور نقطه پایان نیافت، بلکه با شدت فراوان و بسا شیوه‌های گوناگون در نقاط دیگر مملکت یا در جریان است و یا در دستور روز ضد انقلاب قرار دارد. ذکر نکاتی چند ضرور است.

اول آنکه، بررسی ماهوی وقایع ناگوار تیریز نشانگر آن است که امپریالیسم آمریکا و بازمالداران رژیم سرنگون - شده پهلوی، از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب کوشیدند و

خوشبختانه دستور سریع امام، بیداری و هوشیاری مردم و مقاومت آنتی ناپلیدی، که در مقابل این کمیسیون و برخی مقامات تأیید کننده این کمیسیون عمل آمده، مجال نداد که آقای کوروت والدهایم نقشه از قبیل تدوین شبه خود را بموقع اجرا بگذارد و ناگزیر گردید با دست خالی از کشورها برود.

طولی نکشید که آقای والدهایم دست خود را بطور روشن رو کرد و خود را پندار آنگونه که بود نشان داد و نه به طبق سیاسی که از او در اذهان ترسیم شده بود. نامه «مردم» در شماره ۱۷۹ خود در این زمینه، تحت عنوان «سپاه روشن و کوی باقی» این پریش را به بیان آورده آقای کوروت والدهایم «دیر کل سازمان ملل است یا کارگزار کارتها» و در توضیح این سؤال چنین نوشت:

«آقای کوروت والدهایم - اگر بسیار خوشبین باشیم و نگوییم از همان آغاز کار خود سرپرده امپریالیسم آمریکا بوده است - می‌توانیم نتیجه بگیریم جناب ایشان قدرت روحی و اخلاقی لازم را، که شایسته فردی در مقام اومپباش، فاقد است... اینک روشن میشود که ملاقات محرمانه ساینر و آقاسی دیر کل سازمان ملل متحد در حد یک سفارش محدود نبوده، اساساً دستور کار والدهایم از طرف کارتن تدوین و توسط آقای وزیر خارجه آمریکا بوی ابلاغ شده است و وی در امر اجتناب از این کار خود را، قبل از اینکه به خود سازمان ملل تقدیم دارد، به کارتن تقدیم کرده است.»

و اینک این کمیسیون که به سادگی همین آقای کوروت والدهایم، کمیسیون دیگری بایران اعزام می‌دارد، تا آزمون را یکبار دیگر بیازماید. در حالی که تیریز به یاد اول پندار کانی مردم را با ماهیت واقعی کمیسیون که دست بخت آقای والدهایم - و در واقع آمریکا باشد، بحد کافی آشکار کرده است.

مسئله سرگردی مردم ایران روشن و بی ابهام است، هیچ کمیسیونی نمیتواند مورد قبول و تأیید مردم انقلابی و بیدار ایران باشد، مگر برای رسیدگی به جنایات شاه مخلوع و ترسیم حدود مسئولیت شدید امپریالیسم آمریکا در رابطه با این جنایاتها. درست عادلانه و بر حق مردم ایران همان است که بود و هیچ گونه تعدیلی در این باره نداشته است. استرداد شاه مخلوع، محاکمه او، استرداد اموال دزدیده شده او بایران، روشن کردن تمام پریشهای فساد که مایه زهر آلود سلطنت فلاکتبار محمد رضا ارباب آورد، روشن کردن حدود مسئولیت آمریکا و سازمان سیا در بارگرداندن او بر اینکه قدرت که با نصارت آمریکا بجهت ایجاد داد این ملت را، دستنبرج مردمان آسوده و بی دردسرها بیخما براند.

هیچ کمیسیونی که از خارج بایران بیاید، صلاحیت دخالت در کار جاسوسان آمریکایی را نخواهد داشت. طبق دستور امام، سر نوشت این جاسوسان را مجلس شورای ملی تعیین خواهد کرد. مجلس هم در این زمینه باید بنحوی عمل کند که شایسته مقام و موقعیت یک مجلس انقلابی است. این جاسوسان، همانگونه که اخیراً از طرف مقامات مختلف تصریح شده است، باید بدینک داد کاملاً بی‌پناه باشندگان امپریالیسم آمریکا بهساکه کشیدن شوند.

مسأله این جاسوسان باید محاکمه سیاست اسارت باار امپریالیستی آمریکا بشود و این عده بهساکه نمایندگان این سیاست محاکمه و محکوم شوند.

بار دیگر کمیسیون تحقیق...

چهره‌ای ظاهراً مستقل می‌شناختند. علاوه، در داخل ایران، از طرف برخی مقامات مسئول، حدود مسئولیت این کمیسیون تعیین گردید و چنین در افکار عمومی تلقین شده بود که کار کمیسیون مزبور رسیدگی به جنایات ۲۵ ساله شاه مخلوع علیه مردم ایران، شرکت مستقیم امپریالیسم آمریکا در این تبهکاریها، استرداد شاه مخلوع بایران و برگرداندن اموال دزدیده شده توسط این راهزن از مردم ایران باین مردم خواهد بود. کار این خوشبینی بقدری بالا گرفت که در برخی موارد صحبت از تشکیل یک «دادگاه نورنبرگ دوم» بهمان آمد، آقای قلب زاده از مذاکرات نیمه شب بین خود و رئیس جمهور پاناما برای استرداد شاه سخن گفت، و دیگر پانامایی ایران برای هر چه گم تر کردن بازار اعلام کرد که چون طبق قوانین پاناما دستور حکم اعدام ممنوع است، لذا اگر دولت ایران متعهد شود که شاه مخلوع را اعدام نخواهد کرد، وی به ایران تحویل داده خواهد شد در همان زمان امام خمینی، با همان لحن سریع و قاطع خود، تأکید کردند که مبارزه علیه آمریکا و برای استرداد شاه مخلوع حتی برای لحظه‌ای متوقف نخواهد شد و طی پیامی اعلام داشتند:

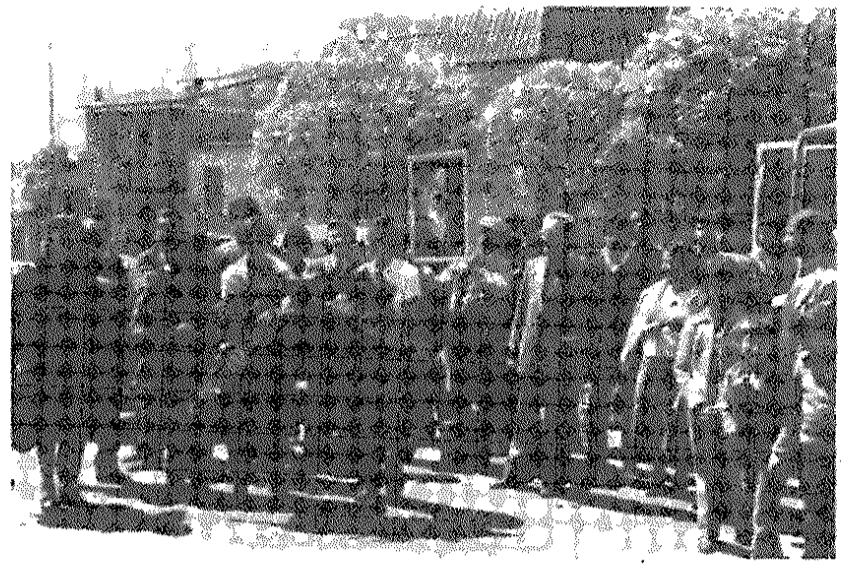
«گسترشهای دسته جمعی و زندان و شکنجه و تبعید از امور و رایج این رژیم پلید بود. شاه بحمايت و پشتیبانی دولت آمریکا باین جنایات وحشیانه دست زد و ملت ما را از هستی ساقط کرد. ملت ایران در مقابل این خاندان کثیف و آمریکا و عمال آنان از مبارزات برحق خویش دست برنمی‌دارد. دولت ایران و جناب رئیس جمهور تمام کوشش و سعیشان را در استرداد شاه خان و اخذ اموال ملت ایران از او بنمایند، که ملت ایران دست از این خواست برحقشان برنمی‌دارد و قدسی بقیب نمیکند از آن.»

ولی از همان زمان مسافرت وزیر خارجه آمریکا به مقر سازمان ملل متحد و دیدار محرمانه اش با کوروت والدهایم، حاله ابهامی در پیرامون تمامی این مسائل و ماهیت مأموریت کمیسیون کشیدند. نامه «مردم» در شماره ۱۷۶ خود، با توجه باین موضوع، نوشت:

«سفر شتایز ده ونس وزیر خارجه آمریکا به نیویورک و مذاکره محرمانه‌ای که با والدهایم انجام داد، صرفاً برای محدود ساختن این کمیسیون بین المللی بوده است تا نتواند نقش امریکارا در اسارت و غارت ایران، و دخالت سی و پنج ساله گذشته آنرا در امور داخلی ایران مورد بررسی قرار دهد.»

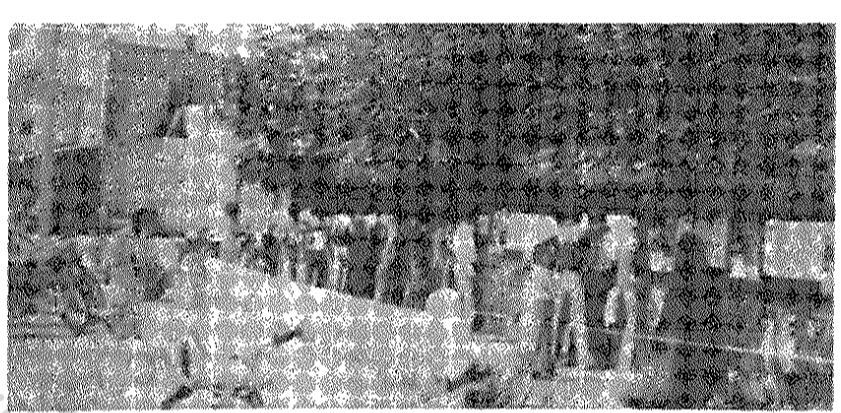
ورود والدهایم بایران نمودنیک پرده حقه بازی و تزویج و تیرنگ بود. خیلی زود روشن شد که آقای والدهایم بایران آمده است تا ایران را وادارد، بدون گرفتن کوچکترین امتیازی از ایالات متحده، بدون ایجاد کوچکترین الزامی برای آمریکا، جاسوسان آمریکا را از امر که بند براند.

گلباران مجسمه بیاد بود روزبه در ایتالیا



مرداران حزب توده ایران در ایتالیا در سالروز شهادت خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران، مجسمه بیاد روزبه را در شهر فیانورمانو (ایتالیا) گلباران کردند.

نمایشگاه عکسی از مبارزه ضد امپریالیستی در دهستان گراش



از طرف سازمان حزب توده ایران در دهستان گراش نمایشگاه عکسی برپا شد، این نمایشگاه که بمدت یک هفته برگزار شد، مورد استقبال اهالی این ده قرار گرفت.

فرد بین مردم کره جنوبی و مزدوران آمریکایی ادامه دارد

نیروهای رژیم مزدور کره جنوبی با راهنمایی مستشاران آمریکایی برای درهم شکن مقاومت مردم مبارز شهر کوانگجو به این شهر حمله ور شدند. گزارش «پرسدک» نیروهای هلیکوپترها و هواپیماهای آمریکایی

شدهای میان مردم شهر و مزدوران ارتش و مستشاران آمریکایی روی داده است. مردم شهر ظاهر امر کز شهر را هنوز در تصرف خود دارند. از سوی دیگر پروازهای هلیکوپترها و هواپیماهای آمریکایی

نتایج یازدهمین کنفرانس...

بقیه از صفحه ۱

نظامی نافرمان آن علیه ایران و ادامه توطئه‌ها و تحریکات طرحهای جدید امپریالیسم آمریکا در زمینه تکیه بر ارتش و نظامی، که هنوز برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خطر عده و واقعی را تشکیل میدهد.

علاوه بر این، بر ابر گزارش فرستاده ویژه روزنامه انقلاب اسلامی، از جمله اتفاقات مهم در کنفرانس، همانند از ورود روسای «جنبش‌های آزادیبخش» افغانستان بود، که حتی دولت پاکستان مجبور بود ورود آنها به جبهه کنفرانس جلوگیری بعمل آورد. اما آقای قلب زاده پس از ساعتها بحث و گفتگو با مقامات مسئول... موفق شد که آنها را زیر پوشش هیئت دیپلماتیک ایران وارد جلسه کند. بدنبال این تلاش، ۸ تن از رهبران «جنبش آزادیبخش» افغانستان، از جمله برهان الدین ربانی و گلبدین حکمت یار توانستند با کرات ایرانی در جلسات کنفرانس شرکت کنند. آقای قلب زاده که مسئول وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران هستند وقاعدتاً باید به حقوق موازین بین المللی و اصول روابط بین دول آشنا باشند، چگونه این عمل غیر قانونی خود را، که بهتایش یک دخالت آشکار در امور داخلی افغانستان است، توجیه میکنند؟

واقعیت این است که جمهوری دمکراتیک افغانستان و جمهوری اسلامی ایران روابط دیپلماتیک دارند. جمهوری دمکراتیک افغانستان با اکثریت دول جهان نیز دارای روابط سیاسی است و عضو سازمان ملل متحد نیز هست. دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان بارها رسماً ایران را آماجگرم کرده است که برای رفع سوء تفاهات دیناسبات خود با ایران، با دولت جمهوری اسلامی ایران وارد مذاکره خود، دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان دولت مستقل و دارای حق حاکمیت کامل است. مسئله رویه‌های افغانستان و تقاضای دولت آن کشور از اقتصاد شوروی برای

کمک نظامی در مبارزه با نیروهای ضد انقلاب از اموری است که فقط مربوط به خود دولت رسمی آن کشور است. آقای قلب زاده، که در مقام وزیر امور خارجه ایران قرار گرفته اند و بدون تردید این واقعیات را با تمام محتوی آن بخوبی درک میکنند، چگونه به خود اجازه میدهند که به چنین اقدامی که در روابط دیپلماتیک بین دول هم چنین در روابط بین المللی بیسابقه است، دست بزنند؟

روزنامه الشب، چاپ بیروت، به نقل از منابع دولتی پاکستان گزارش داد که تذکری به درباره باصطلاح مسئله افغانستان، که شاهالبح رئیس جمهور پاکستان برای شرکت کنندگان در کنفرانس ارسال داشت، با شرکت مستقیم وزارت امور خارجه آمریکا تنظیم شده است. قطب نامه مصوب کنفرانس درباره افغانستان، که بر اساس همین تذکریه تنظیم گردید، در واقع حکم داخل آشکار در امور داخلی افغانستان است.

بدین ترتیب با وجود فعالیت‌های مثبتی که در کنفرانس اسلام آباد انجام گرفت، از جمله تصویب قطعنامه در باره محکوم کردن اقدامات آمریکا علیه ایران و قطعنامه مربوط به اشغال سرزمینهای فلسطین از جانب اسرائیل، در این کنفرانس نیز مانند همین کنفرانس کشورهای اسلامی که در همین ماه گذشته در اسلام آباد تشکیل گردید، نمایندگان آن کشورهای اسلامی، که زیر سلطه امپریالیسم آمریکا هستند و در تمام توطئه و تحریکات و عملیات تجاوزی آمریکا علیه کشورهای مستقل ملی منطقه و از جمله علیه جمهوری اسلامی ایران شرکت داشتند، تمام کوشش خود را در آنست بکار بردند تا با تحریف و اقلیت رویداد های افغانستان و مطرح کردن خطی موهوم از جانب اتحاد شوروی، خطر موجود و واقعی امپریالیسم آمریکا را که استقلال و امنیت کشورهای این منطقه را تهدید میکند، در سایه قرار دهند و متأسفانه باید گفت که فعالیت هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران، صرف نظر از هر انگیزه و توجهی که داشته باشد، علاوه بر این جریان مساعدت کرده است.

دومین شماره

وینا

منتشر شد

علاوه بر کتابفروشی‌ها و روزنامه‌فروشی‌ها مجله دنیا را می‌توانید از کیوسک‌های فروش نشریات بخواید

پوشش و پاسخ

جلسات «پیش و پاسخ» روزهای پنجشنبه از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل می‌شود.

گام نخست در امر خود کفائی در کشاورزی: ساخت تراکتور ایرانی

مصل خود کفائی در کشاورزی، مسئله مهم مکتب‌گرا و کردن و الکتریکی کردن تولید را در دستور روز قرار می‌دهد. در حال حاضر کارخانه‌های چینی در ایران ماشین‌آلات مورد نیاز کشاورزی را مونتاژ میکنند که بهترین آنها تراکتورسازی تبریز، تراکتورسازی جان‌دیر اراک و کارخانه‌های ماشین‌آلات کشاورزی گویوتا در ساوه و اشکدر کرج و غیره‌اند.

هریک از این واحدهای صنعتی به‌طور گوناگون وابسته به انحصارهای تک‌ملیتی و چند ملیتی آمریالیستی هستند. به‌نظر ما وقت آن فرا رسیده، که فکر اساسی برای ساختن ماشین‌آلات کشاورزی در داخل کشور کرد و ایران را از این وابستگی ژرف به آمریالیسم نجات بخشید.

آیا میتوان در فاصله زمانی نسبتاً کوتاهی به این هدف، که آرزوی کارگران و مهندسان مین‌دومست ایرانی است، رسید؟ کارخانه تراکتورسازی تبریز یکی از واحدهای بزرگ صنعتی کشور بشمار میرود که دهها میلیارد ریال در آن سرمایه‌گذاری شده است. هم‌اکنون ۷۰ درصد ماشین‌آلات این کارخانه کار گذاشته شده و یا در دست نصب است. گرچه از همان روز نخست انحصار بین‌المللی سرفرگسون در ساختمان این کارخانه انواع کارشکنی‌ها را کرده، با وجود این میتوان با جلب متخصصین از کشورهای سوسیالیستی هرچند تراکتورسازی را تکمیل و تقاضای آن را که انحصارهای خارجی فروشنده‌گان ماشین‌آلات عمداً ایجاد کرده‌اند، برطرف ساخت و بهره‌برداری از آن را آغاز کرد.

متخصصین و کارشناسان ایرانی برآنند که، ما میتوانیم با بهره‌برداری از مدلهای تراکتورهای انحصارهای خارجی، که تاکنون دهها میلیارد ریال از طریق فروش آنها سود از کشور ما برده‌اند، تراکتوری ساده‌تر و کارآتر با در نظر گرفتن سطح بهداشت فنی کارگران کشاورزی، از طریق شباهسازی در داخل بسازیم.

کارخانه تراکتورسازی تبریز، که طرح جدید آن به صلاحدید انحصار بین‌المللی سرفرگسون آماده شده، چنان است که، اگر نخواهیم تراکتور نوع این انحصار را تولید کنیم،

تمام مدلهای ریخته‌گری، تمام قالب‌های آهنگری، تمام قالب‌های برسکاری، بخشی از ماشین‌آلات مخصوص، ابزارهای برشی و غیره برشی، که بیلونیا ریخته‌گری آنها شده، عاظمی‌ها خواهند ماند. مهندسان ایرانی برآنند که، با تغییر برخی از قطعات تراکتور سرفرگسون و تغییراتی چند در سیستم‌های آن، می‌توان تراکتور را در ایران ساخت. به بیان دیگر، آنچه در این تراکتور باید تغییر داده شود، عبارت خواهد بود از: قطعات برسی، سیستم هیدرولیک (که بسیار پیچیده است و باید ساده‌تر گردد) و مشابه‌سازی قطعاتی از موتور برکتیک، که در تراکتورهای سرفرگسون کار گذاشته می‌شود.

این پیشنهادی است بسیار جالب، که باید توجه کلیه علاقمندان به استقلال صنعتی ایران را جلب کند. در این زمینه مومسات علمی و از آنجمله دانشگاه صنعتی شریف (از نظر فلزشناسی و طراحی)، دانشگاه علم و صنعت (از نظر مدل‌سازی و ریخته‌گری) و بالاخره پلی‌تکنیک (در زمینه‌های مشابه) میتوانند نقش مهمی را ایفا کنند.

در ساخت نخستین تراکتور ایرانی، واحدهای صنعتی مانند صنایع الکترونیک شیراز، ماشین‌سازی تبریز، کارخانه آیدم، موتورزن و همچنین کارگاههای کوچک که در سطح کشور پراکنده‌اند نیز میتوانند همکاری موثری کنند.

ما پیشنهاد میکنیم که وزارت صنایع و معادن برحذرنگ کمیسیون ویژه‌ای را برای رسیدگی به این امر حیاتی تعیین کند و هرچه زودتر دست‌اندرکار شود. سرنوشت واحد بزرگ چون کارخانه تراکتورسازی تبریز را، که در حدود سه هزار کارگر ماهر و نیمه‌ماهر در آن شاغلند، نباید به دست سرفرگسون سپرد. همراه با این کار، باید آموزش کارکنان کارخانه را برای بهره‌برداری از ماشین‌آلات، که انحصارهای خارجی دانسته و فهمیده از آن چشم‌پوشی کرده‌اند، آغاز کرد.

گرچه هنوز ۳۰ درصد ماشین‌آلات مورد نیاز کارخانه تأمین نشده، ولی اکثر کارگاههای آن یا آماده بهره‌برداری هستند و یا با اندکی کوشش میتوان آماده بهره‌برداری کرد. برآورد دستیابی به این هدف باید هرچه زودتر در قرارداد منعقد

شده بین ایران و سرفرگسون تجدیدنظر بعمل آورد. این قرارداد نیز مانند دهها قرارداد دیگر دارای خلعت عمیقاً نوسازی است. کافی است متذکر شویم که بموجب قرارداد، هر قطعه‌ای که در کارخانه تراکتورسازی ساخته شود، باید قبل از مونتاژ به تأیید کارشناسان انگلیسی سرفرگسون قرار گیرد. چرا؟ زیرا لیسانس متعلق به انحصار سرفرگسون است. و این در شرایطی است که همین انحصار بین‌المللی سالها بازار ایران را در انحصار داشت و از طریق انحصار قرارداد «نوسازی تراکتور» سازی تبریز، سود کلانی به‌عنوان از کشور ما خارج کرده‌است. علاوه بر این سرفرگسون به تعهدات خود عمل نکرده و از این راه نیز خسارتهای زیادی به کشور ما وارد آورده است.

ضروری است که آمریالیسم، به سرکردگی آمریالیسم آمریکا، بر دیگر صنایع ما وارد آورده، به‌اندازه‌ای سنگین است که، ما بتدریج خواهیم توانست در ساخت کامل تراکتور در داخل موفق شویم. ولی به‌رحال ما باید خودکفائی در صنعت را از جایی آغاز کنیم. ما معتقدیم که هرچه زودتر، بهتر!

واضح است که در این امر حیاتی تحریک سازمان برنامه و وزارت صنایع و معادن شرط نخست پیروزی است. بهین‌سبب ما توجه این ارگانهای دولتی را به موارد زیر جلب میکنیم:

انحصار بین‌المللی «سرفرگسون» طرحی را در کارخانه ماشین‌سازی تبریز پیور اجرا کرده، که با وجود هزینه سنگین آن باز هروا بسته به‌خارج خواهد بود. مثلاً ایجاد کارخانه‌های ساخت لاستیک تراکتور، دینام - استارت، انژکتور و پمپ انژکتور، یا ناغان و غیره در طرح در نظر گرفته نشده‌است. با در نظر گرفتن اینکه اکثر ماشین‌آلات نامبرده به‌مقیاس وسیع موردنیاز انواع صنایع است، باید هرچه زودتر در ایجاد آنها در کشور دست‌اندر کار شد.

کوتاه سخن، پیشنهاد ساخت تراکتور ایرانی با استفاده از روش مشابه‌سازی و تغییر قطعات و سیستم‌ها، که مهندسان استادکاران و کارگران ایرانی مطرح می‌سازند، گام نخستی است برای آزمایش دانش و بینش مهندسی در ایران.

ما معتقدیم که با کاربست اینگونه شیوه‌ها است که خواهیم توانست تکنولوژی ملی را پایه‌گذاری کنیم. تردیدی نیست که در این راه با مشکلات زیادی روبرو خواهیم شد ولی این نیز مسلم است که دستهای توانا و مغزهای متفکر کارشناسان، دانشمندان، مهندسان، تکنیسین‌ها و کارگران ایرانی خواهند توانست این مشکلات را یکی پس از دیگری حل کنند و همین ما را بسوی صنعتی‌شدن واقعی، که آرمان هر مین‌دومست ایرانی است، سوق دهند.

همیشه سبز باش و همیشه شکوفان ای خجسته نهال بر دمیده از طوفان



نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

برای شهیدان حزب و جنبش

نامه «مردم» در نظر داد هم‌کامی تمام‌بازاری را که در دوران سلطنت تکین و منفور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و مهنی و انسانی خود به‌شهادت رسیده‌اند، جمع آوری کند. از همه‌سین دوستان آزادی-خواهان تقاضا می‌شود که هر کسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر نامه «مردم» مراجعه کنند.

پاسپاس - نامه «مردم»

• آغاز رویش... شریعت از هها، در، که قسمتی از آنرا می‌خوانید:

با باران
یا بوی خوش شالیزارهای شمرم
آغاز گشت
رویش لوین نام تو
که ملین سدایت مردمی است
و محبت را می‌رویی
و به کوچی‌های خلوت ذهن
هریت مجبور اندیشه را آشکار می‌سازی
قلب من در تپشهای بروقه‌های
فریاد می‌زند:
ای توده‌های... ای توده‌های...
• «مرغ حق‌گوی خلق» سروده الفه نادر است، بخشی از آن چنین است:

از جنوب ...
با چهره‌های پر از شیار کین و عداوت
تق برمی‌کنند:
از کتج کوچی‌های فقر و فلاکت
از کارخانه
از زانگه‌های تنگ ویران‌بار
بیروید همچنان
از متن جرگه‌های مرگ و هلاکت
کین ساقه‌های خشم و ستیز:
از خون سینه‌های سرخ و گداخته
باموج، موج شت‌های آخته
که نشان گرفته آگاه و استوار
قلب جهانخواه ...
و می‌خورشد اینک:
«مرگ بر آمریکا»
«دشمن مرد ما»

ایجاد کتابخانه‌های عمومی نیاز انقلاب ماست

دوستی در نامه خود از محدود کتابخانه‌های عمومی تهران، که فاقد محیط امکانات مناسب است، می‌نویسد پیشنهادی را مطرح می‌سازد:

«تهران چند میلیون‌گرای دارای بیش از دوازده کتابخانه عمومی نیست، که آنها هم فقط عنوان کتابخانه را با خود دارند، نه سالن مطالعه، نه جای برای کتاب، نه قفسه‌های درخور کتابخانه‌های امروزی. از همه‌متر ساختمان این کتابخانه‌هاست که برای کار دیگری ساخته شده‌اند. حالا که تعداد زیادی از خانه‌های طاقبانی و عوامل رژیم قبلی منسوخ شده، خوب است این ساختمانها در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار گیرند تا تبدیل به کتابخانه شوند. گسترش کتابخانه‌ها بخصوص در جنوب شهر احتیاج به ساختمان جدید دارد. از لحاظ اینکه در این قسمت از شهر دانش‌آموزان و دانشجویان به علت شلوغی منازلشان و کمبود جا اغلب برای مطالعه دروس خود به کتابخانه‌ها هجوم می‌آورند، هرچه زودتر باید در این مورد اقدامات لازم از طرف مسئولین وزارت فرهنگ و آموزش عالی به عمل آید».

نامه «مردم»: پیشنهاد دوست ما بچاست، بعد از پیروزی انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی، برای ترویج و تبلیغ فرهنگ‌آمیل، انقلابی و پویا، برای مسلح کردن روحان آگاه مردم به سلاح علم و دانش بشری، برای پادور ساختن استعدادهای نخبه‌تربندان این آب و خاک، که در مدارس و دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند، پایستی دولت از طریق ایجاد شبکه کتابخانه‌های عمومی مجبوس، میادگاهی آکنده از سلامت و آرامش برای دانش‌آموزان و دانشجویان و دیگر دانش-پژوهان فراهم آورد.

خدمتگزاران به انقلاب نباید پاسکاری شوند

سهراب سوداگر از بنادر عباس طی نامه خود از پاسکاری‌های غیر اصولی اداره آموزش و پرورش استان هرمزگان چنین می‌نویسد:

«اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان بجای تصفیه و اخراج عناصر ساواکی و ضدانقلابی، دست به اخراج انقلابیون و طرفداران صدیق جمهوری اسلامی ایران زده است. اینجانب دیر دیر ستانهای پیشی بستک به‌جرم جیبی بودن برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اخراج شده‌ام. این عمل لاپروا در راه‌های ای‌امواد و نبره‌های آکین‌نامه‌های اداری پوشانده‌اند. به‌رحال در روز چهارشنبه ۱۳۷۱/۰۹/۰۹ برای مذاکره به‌آقای شهبازی مدیرکل آموزش و پرورش مراجعه کردم. پس از تشریح وضع خود ایشان به‌صراحت اعلام کردند: «وضع اینجا درست است که می‌گویند در خط امام و

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشر در نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به‌وسیله‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم بپسایند. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه‌ی بزرگ انقلابی است.

یکشنبه‌ها: نامه «مردم» بزبان کردی

موظفان کرد مقیم تهران می‌توانند نامه «مردم» به‌زبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر می‌شود، از کیوسک‌های مختلف تهران دریافت دارند.

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!

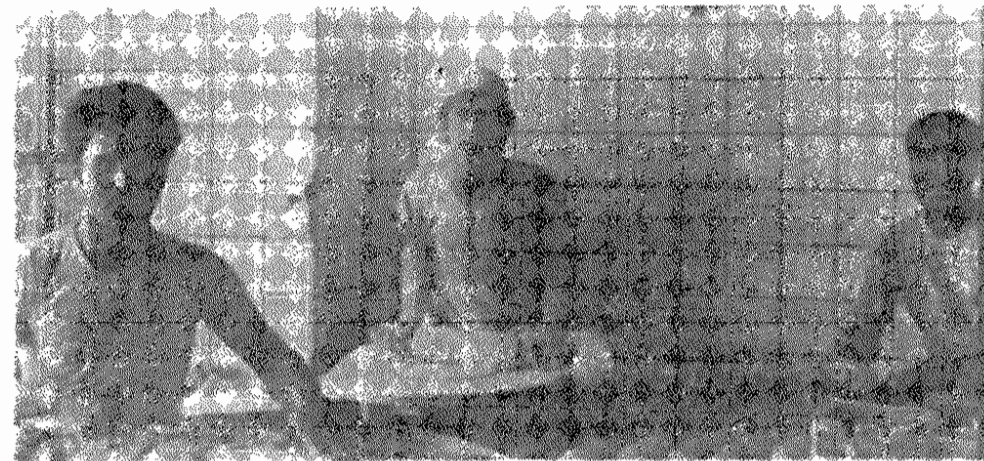
تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیگایی) ضرورت انقلاب ایران است

کارگران نانوا:

ما خواهان تعیین ساعات کار و استخدام دائم و حق بیمه هستیم

ما حتی از ابتدایی ترین وسایل بهداشتی در نانوائی برخوردار نیستیم

ما خواهان استفاده از تعطیلات رسمی و مرخصی با حقوق هستیم



«اگر در روستا به مازمین و وسایل کشت بدهند، به روستا میرویم»

نان، این حیاتی ترین منبع تغذیه، که بدون آن سفره خالی است، بدست کارگران زحمتکش تهیه می شود، که با وجود کار طاقت فرسا در شرایط بدسواد، از ابتدایی ترین حقوق و مزایای زندگی و وسایل بهداشتی برخوردار نیستند.

همیشه گفته اند، آنان که از درد دستی بر آتش دارند، از حقایق ماجرا باخبر نیستند این ضرب المثل در مورد نانوائیها کاملاً صادق است.

کتاب نرا از چند قدمی طرف تئور می روی، گرمای تنور احساس می شود و در نزدیکی آن دیگر حرارت پیدا نمی کند و برای کسی که عادت نداشته باشد، غیر قابل تحمل است. آری، در چنین شرایطی است که کارگران (خصوصاً شاطر و نانوا در آرد) روزی ۱۲-۱۰ ساعت کار میکنند.

نانوائیها بطور عمده به چهار نوع تقسیم میشوند: بربری، سنگکی، لوشی (زمینی و دیواری)، تافتون. تقریباً تمامی کارگران نانوائیها (از هر نوع) روستائیان هستند که به علت فقر بیش از حد و نبود امکانات، نظیر زمین و وسایل کشاورزی، به تهران روی می آورند و به کار نانوائی مشغول میشوند. در این میان کارگران نانوائیهای بربری بیشتر از روستاهای اطراف تبریز و زنجان، سنگکی از دهات اطراف مشهد، اردکوم، لوشی از دهات اطراف تبریز و قزوین و تافتون از دهات اطراف مشهد هستند. آنها میگویند:

«هر گاه دولت وسایل کار و فعالیت (زمین و ابزار و ماشین آلات) در اختیار ما بگذارد، ما همگی به روستاها باز خواهیم گشت و به کار اصلی خود، یعنی کشاورزی و دامپروری می پردازیم. آخر کیست که بخواهد کار دلخواه خود را رها کند و این کار طاقت فرسای کارگر را بپذیرد؟»

اکثریت قریب به اتفاق این کارگران به علت عدم توانایی مالی، قادر نیستند خانواده خود را همراه بیاورند و چون مجبورند هر چند وقت یکبار نزد آنها به روستا بروند، پس از ۵-۶ ماهه کار کردن، حاصل دستمزد خود را به روستا و برای خانواده خود می برند ولی هنگامی که باز می گردند دیگر قادر نیستند در نانوائی که قبلاً کار می کرده اند، به کار ادامه دهند. در نتیجه مجبورند دنبال نانوائی دیگری که احتیاج به کارگر دارد بگردند. به دلیل همین چابکدستی است که اغلب آنها از حق بیمه نیز برخوردار نیستند. در نتیجه خرج کم کردن پیشکش و دارو نیز برداشتن آنها سنگینی میکند.

البته در این میان، کارگران کم سن و سال، که تعداد قابل توجهی را مخصوصاً در میان چانه گیر ها و نانواها تشکیل می دهند، نیز به علت کم سن از حق بیمه برخوردار نیستند. در صورتیکه هنگام گرفتن سهمیه آرد، هر نانوائی ناحق بیمه پرداخت نکند، سهمیه آرد به آن داده نمی شود.

یکی از کارگران، که ۲۰ سال است کار می کند، در این مورد می گفت: «چشمم پای تنور خراب شده، چون بیمه نیستیم، برای عمل جراحی ۳۰۰ تومان باید پول بدهم و نتوانم. ممکن است تا چند وقت دیگر کور و علیش شوم.»

شاطری هم که در لوشی کار می کند، می گوید: «چند وقت پیش با مونسور تصادف کردم. مدت ۳ ماهه که نمی توانم کار بکنم، چون پولی دریافت نمی کردم. ده هزار تومان قرض کردم، مجبور شدم بیخجل را هم بفروشم و خرج خانواده را بدهم.

حالا هم پاهایم بشدت دردمی کند، چون از صبح تا شام باید سر پا باشم و کار کنم. نمی توانم تحمل کنم، ممکن است فلج شوم. همه کارگران چون تمام مدت کار سر پا هستند، پس از مدتی پاهایشان ورم می کند، و قادر به کار نیستند.»

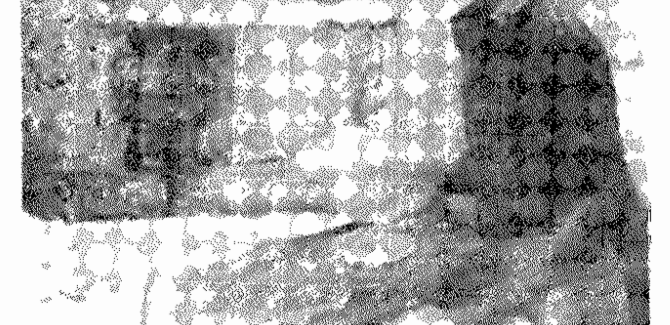
از مشکلات دیگر کارگران زحمتکش نانوائیها، عدم تعیین ساعات کار است. آنها به تفاوت از ۱۲ تا ۱۵ ساعت در روز کار میکنند. از این جهت تمامی کارگران منتقل القول میگویند:

«اگر نانوائیها دولتی شود، ما لایزال مثل سایر مستخدمین دولتی ساعات کار معینی داریم، ولی الان علاوه بر ساعت کار زیاد، ساعتی بیکاری را نیز باید در دکان بسالی بمانیم و استراحتی در کار نیست.»

کارگر نانوا در آرد لوشی، که ۳۸ سال است به ایمن کار مشغول است، می گوید: «برای کم شدن ساعات کار تقاضا کرده ایم. مبارزه کرده ایم. ولی ترکیب اثر ندادند. اگر نانوائیها دولتی شود، می توانند کار را دو وقت کنند. آنوقت هم ساعات کار کارگران کم تر می شود و هم عده ای بیکار جذب می شوند.»

چانه گیر نانوائی، که ۱۷ سال دارد و از روستائی در اطراف زنجان آمده است، می گوید: «الآن ما بصورت روزمزد کار می کنیم و هر وقت صاحب کار بخواهد ما را بیرون می کند. اگر نانوائیها دولتی شود، لایزال کار ما دائمی می شود.»

کارگران زحمتکش نانوائیها به وجود شرایط سخت کار، دور بودن از خانواده و... از دستمزد بسیار کمی برخوردارند. دستمزد آنها در نانوائیهای مختلف، تا حدودی متنوع است. این عدم تساوی حقوق یکی از علل نارضایتی های کارگران



این کارگر جوان مجبور است مخارج یک خانواده ۹ نفری را تأمین کند

است. با توجه به اینکه این افراد عموماً خرج خانواده های چند نفری خود را (که در روستاها زندگی می کنند) تا جایی می کنند، این دستمزدها به هیچ وجه تکافی زندگی آنها را نمی کند.

چانه گیر ده ساله، که در یک نانوائی لوشی کار می کند و از روستاهای قزوین آمده و حاصل دستمزد دستهای کوچکش را برای پرداخت اجاره و دستمزد فرزندش روزی ۶۰ تومان دستمزد می گیرد و بیمه هم نیست. شهبها را در دکان نانوائی می خوابد.

نان پهن کن همین نانوائی هم که ۱۹ سال دارد، ۸ سال است که مشغول کار نانوائی است. از روستاهای قزوین آمده، خرج خانواده ۹ نفری خود را از دستمزدش، که روزی ۱۱۰ تومان است، می فرستد. در حالیکه ماهی ۵۰۰ تومان در تهران اجاره خانه می دهد.

شاطر نانوائی بربری به مدت ۲۷ سال کار و ۳۶ سال سن، با داشتن ۷ بچه روزی ۱۰۰ تومان حقوق می گیرد و بیمه هم نیست... مشکل بهداشتی اکثر کارگران از ابتدایی ترین وسایل بهداشتی نظیر دستشویی و توالت و... برخوردار نیستند. اکثر آنها، مخصوصاً کارگران کم سن و سالی که چانه برای سکنی ندارند، شهبها را در دکان می خوابند. کارگر لوشی در این مورد می گوید:

«اگر نانوائیها دولتی شود، ما لایزال مثل سایر مستخدمین دولتی ساعات کار معینی داریم، ولی الان علاوه بر ساعت کار زیاد، ساعتی بیکاری را نیز باید در دکان بسالی بمانیم و استراحتی در کار نیست.»

کارگر نانوا در آرد لوشی، که ۳۸ سال است به ایمن کار مشغول است، می گوید: «برای کم شدن ساعات کار تقاضا کرده ایم. مبارزه کرده ایم. ولی ترکیب اثر ندادند. اگر نانوائیها دولتی شود، می توانند کار را دو وقت کنند. آنوقت هم ساعات کار کارگران کم تر می شود و هم عده ای بیکار جذب می شوند.»

چانه گیر ۲۰ ساله نانوائی لوشی، که از یکی از روستاهای اردکوم، تهران آمده، و قبلاً چوپانی می کرده است، گفت: «۷ سال است که روزی ۱۳ ساعت کار می کنم و هنوز به بیمه هم دست نمی زنم. زندگی من چقدر است. باز روزی ۷۰ تومان مزد نمی توانم بکنم. کارخانه ها در روستا هستند. هر چند وقت یکبار به تهران می آیم مدتی کار می کنم، پولی جمع می کنم و به روستا میروم. چند وقت در آنجا در کنار خانواده هستم و باز برای تهران میروم و در درددل دنبال کار میگردم. اگر دردهات به مازمین و وسایل کشت بدهند، حاشم به روستا برگردم و به کار کشاورزی بپردازم. ما از انقلاب انتظار داریم که اختلاف بین زمینداران بزرگ و روستائیان را با اصلاحات ارضی از بین ببرد.»

۳ روز تعطیلی در سال

کارگران نانوائی فقط ۳ روز در سال تعطیل هستند. اکثر نانوائیها شامل این ۳ روز نمی شوند به جز نانوائیهای لوشی که جمعه ها تعطیل هستند.

شاطر تافتون که ۴۳ سال دارد و ۳۲ سال است که در نانوائی کار می کند می گوید: دستمزد مشخصی نداریم به جز ۳ روز. اگر مرض بشویم، باید دست بدهیم این و آن بشویم، چون مرضی ای در کار نیست.

خبرگیر دیپلمه نانوائی سنگکی می گفت: «ما روزگانه کار می کنیم مجبوریم کار کنیم، چون اگر کار نکنیم مجبوریم آن روز را اگر سنگی بکشیم.»

کارگران با امیدواری به آینده، در این شرایط طاقت فرسا به کار مشغولند. امید آنها را باور کنید، به وضع زندگی آنها برسید، تا همه با هم انقلاب را به پیروزی برسانیم.

اخبار کارگری

نمونه ای که استثنائی نیست هر غدار یهار آدری باید!

مقابل کوی آزادی (نیش بزرگراه بهشت)، ساختمان مترو به ایستگاه آردور به پورانه ای می ماند. این ساختمان قدیمی، بنای فرسوده یک مرغداری است که در حدود ۱۵ سال قبل بنا شده است.

عمریت این مرغداری بطور تقریب ۳۰ هزار مرغ است تولید سالانه این مرغداری نزدیک به ۱۰۰/۰۰۰ است، که از فرشی آن پول هنگفتی نصیب صاحب مرغداری میشود. (مرغ در ۱ کیلو ۱۷ تا ۲۰ تومان، بسته به تقاضای بازار بفروش میرسانند.) ساختمان این مرغداری قدیمی است، و از آنجا که هیچگونه مرمت و تعمیر اساسی از جانب مالک بعمل نیامده است، بسیار فرسوده و در وهله اول ایست، سقف مرغداری با تیرهای چوبی پوشیده است که خرورها خاک و گل خشک شده روی آن قرار دارد، بطوریکه در اکثر نقاط سقف از سنگینی بار و از ضعف ستونها و تیرهای چوبی شکسته است و هر لحظه احتمال ریزش و فرود سقف وجود دارد. ستونها و دیوارهای مرغداری بیشتر باخشت خراب بنا شده است. محیط مرغداری نیز کاملاً غیر بهداشتی است.

مرغداری به این وسعت و گنجایش را تنها نوجوانان ۱۷-۱۸ ساله ای اداره میکنند، که خود کارگر روزمزد است. اداره کردن مرغداری با این گنجایش زیاد برای یک کارگر، کار طاقت فرسائی است. همه کارها را با دستی یک تنه انجام داد، و از آنجایی که در این مرغداری از هیچ تکنیک پیشرفته ای استفاده نمیشود، حجم کار چندین برابر مشکل است و انرژی بیشتری می طلبد. از طرف دیگر از خطر بزرگ چانه کارگر را تهدید می کند؛ یکی بنای فرسوده مرغداری، که هر آن امکان ریزش آن وجود دارد. دیگری بیماری بعلت عدم رعایت بهداشت.

کارگر نوجوان این مرغداری، که هر روزها در مرغداری کار می کند و همیشه با زحمت فراوان درس می خواند، در مقابل این کار پر زحمت روزانه تنها ۵۰ تومان حقوق می گیرد و از دیگر مزایای قانونی از جمله، حق بیمه و حق مسکن، لباس کار و... محروم است. کار از ۷ صبح تا ۵ بعد از ظهر است.

بگفته این کارگر نوجوان زحمتکش، تاکنون چندین بار سقف و دیوارهای این مرغداری فرو ریخته است و چندین بار بطور کامل اتفاتی از این حوادث جان سالم بدر برده است. این کارگر نوجوان به حسب آشنائی که با مالک مرغداری دارد، از ۶ سال قبل تاکنون در این مرغداری کار می کند. اما از ۲ سال قبل رسماً بعنوان کارگر در آنجا مشغول بکار است.

ساختمان و زمین مرغداری هیچگونه سند مالکیت رسمی ندارد. در گذشته زمین باین دودر افتاده ای بود، که توسط مالک تبدیل به مرغداری شد. و چون اکنون در مجاورت آپارتمانهای کوی آزادی قرار دارد. بایستی مرغداری را به محل دیگری در آن شهر منتقل کنند.

سپردن همه کارهای مرغداری بدست یک نوجوان را نمیتوان با هیچ معیاری سنجید. نوجوانی که باید اکنون تمام هویت خود را متوجه کسب معلومات کند، مجبور است در مقابل دریافت چند روزانه زندگی خود را در اختیار جوانی بیاموزد.

چرا به یک نفر ۶ جواز نانوائی میدهند و عده ای را از آن محروم می کنید؟

فروشگاه تعاونی مرکزی و محل سندیکای نانوائیان تهران در حومه در خیابان دکتر شریعتی واقع است. معمولاً هر روز صبح نانوائیان برای رسیدگی به خواست هاشان در این محل جمع میشوند. ما با چند نفر از آنها به گفتگو نشستیم.

یکی از نانوائیان گفت: «ما برای گرفتن جواز کسب اینجا جمع شده ایم. شرکت تعاونی، آرد را فقط به نانوائیانی که دارای جواز کسب هستند و آتیم کیلویی ۹ تا ۱۰ ریال می فروشد. نانوائیان بی جواز مجبورند آرد را از بازار آزاد کیلویی ۳۰ تا ۳۵ ریال بخرند. ما می گوئیم چرا بضرای نانوائیان چند نانوائی با جواز دارند، ولی عده ای مثل من حتی جواز کسب برای یک نانوائی را هم ندارند؟»

نانوائی دیگری گفت: «ما جواز کسب داریم، ولی برای گرفتن سهمیه باید رشوه بدهیم. سهمیه من ۵۰۰ کیلو آرد است، ولی من احتیاج به ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلو آرد دارم. برخی از بازرسانی که برای تفتیح به محل می آیند، با گرفتن رشوه، میزان سهمیه ما را افزایش می دهند.»

نانوائی دیگری بنام حجت مرادی گفت: «۳۰ سال دارم. از ۱۵ سال پیش که از زنجان به تهران آمدم، همیشه کارگر نانوائی بوده ام. چشم به علت نور و حرارت تنور آسیب دیده است و آب از آن می آید. چندی پیش با اتفاق دوستانیک مغازه تانسوائی بربری در پنجکی آباد دایر کردیم ولی هنوز جواز نگرفته ایم. ما مجبوریم آرد را از بازار آزاد کیلویی ۳۲ ریال بخریم و برای آنکه ضرر نکنیم، مجبور شدیم ناله ها را کوچک تر از حد معمول درست کنیم. مردم هر روز به ما میگویند چرا اینقدر ناله ایان کوچک است. حتی یک نار ما را به کمیته برداند، ولی ما خودمان از روی مردم خجالت می کشیم. اکنون مدت دو هفته است که مغازه را تعطیل کرده ایم، چون به اینصورت ادامه کار به صرف ما نیست.»

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

استاد رضا اصفهانی:

ه عنای از فروش آبدر روستاها درسالهای گزینی درآمد دارند.
مستأفانه در تقسیم آب یک روش عادلانه وجود ندارد.
بسیاری هستند که با برخورداری از جاهایی عمیق و قناتهای مختلف از آب بسیار زیادی استفاده می کنند و آبراهه های بسیار گزاف پیکشاورزان زحمتکشان مسلمان میخورند...

از گفته های مقامات مسئول دولتی و نهادهای انقلابی

کشی در امت می خوانیم و ما نیز در شهر خود ناظر چنین روابط ظالمانه ای هستیم، مسئولیت مکتبی بما حکم کرد که در انضای این بزوروان حداکثر کوشش خود را بذول داریم.
ماجرای از اینجا آغاز می گردد که سپاه پاسداران لاهیجان اراضی (باغ چای) زمینداران بزرگی که در شهر نشسته و شکم خود را با حاصل زرع و درد چایکاران سیر می نمایند و با عریضه پدایان دستور می دهند، بین آنان که روی زمین کار می کردند، تقسیم نمودند که این حق مسلم و خواست توده های دهقانی بود.
در این بین ثوابها متحدا مسلمانهای دوازده شده و با توسل بهحاکم شرع استان گیلان و لاهیجان و مقامات دولتی (دفتر رئیس جمهوری و دادستان کل انقلاب) اقدامات انقلابی سپاه پاسداران را ضدانقلابی و مخالف با شرع و قوانین و موازین اسلامی دانسته و آن را توطئه ای برای کاهش تولید داخلی معرفی نموده اند. طبق این شکوائیه حاکم شرع استان، ثوابها را کشاورزان منطقه خوانده و عمل سپاه پاسداران را برخلاف نظر...

رئیس جمهوری و امام امت و رای شورای انقلاب و دادستان کل انقلاب دانست، و گزارش بدستی رئیس جمهوری ارائه داد. با جواب دفتر رئیس جمهوری، قاضی شرع طبق حکمی به دادستان انقلاب شرق گیلان (سلیمی)، دستور رفع مزاحمت از شاکیان (زمینداران بزرگ) را صادر نمود. آقای سلیمی این حکم را به پاسگاه ژاندارمری لاهیجان ابلاغ نموده و از آنان خواست که اقدام لازم جهت اجرای آن دایر بر رفع مزاحمت معمول گردد و متذکر گردید که در اجرای ماموریت لازم است افراد مسلح بیشتری را گسیل دارند.
برطبق دستور محوله، افراد مسلح به منطقه مذکور در مدرک (بازگیاگوراب) رفته ولی با خشم دهقانان و کشاورزان رنجیده که توسط فرمانده پاسگاه با عبارت ۵۰۰۰ نفر از عوامل و ایادعز مردم III از آنان یاد کرده، مواجه گشتند و ناچار به پاسگاه مراجعت نمودند. هب اکنون زمینداران برای استرداد زمینهای خود به هر وسیله و مقامی متوسل شده و دهقانان رنجیده نیز برای تثبیت حق خود استقامت می نمایند.
حیات کشاورزی ما در گرو سات ثوابهاست، چرا که نو مالکیتی ثوابی، خواست توده های دهقانی است. (امت، ۳۱ اردیبهشت)

اخبار دهقانی

در روستای محمود آباد: گذری به روستا

زمینهای یمن را گرفتند و در بدرمان کردند



میرزا آقا: ماهمه چیز میتوانیم بکاریم و احتیاجی به آمریکای نداریم

موقع خرمن هم با خداست که چقدر کنده برداریم. روزی که ما شروع به زراعت روی این زمین کردیم، ۵ سال بود که در آن چیزی کاشته نشده بود و کار کردن روی چنین زمینی، بعد از ۱۵ سال، خیلی خرج دارد. مسن فکر نمی کنم که امسال کسی بتواند از روی این زمین سود ببرد و سال دیگر هم به اتحاد خودمان دارد. اگر همه متحد باشند، می توان محصول بهتری را برداشت کرد.
قریبا قطعی، یکی از دهقانان، که سر چاه کار می کند، به ما می گوید:
«من ۳۷ سال سن دارم و پدرم از کشاورزان اینجا بود. علت اصلی از بین رفتن کشاورزی و خشک شدن باغهای محمود آباد را باها بودند. آنها قنات ها را خشک کردند و بعد زمین های محمود آباد را به کورده ها نهادند. فرخنده همه بیکار شدیم. من مجبور شدم به تهران بروم و در آنجا مدتی روی ماشین های دیگران رانندگی می کردم و بعد هم با یک فرد دیگر شریک یک تاکسی خریدم و روی آن کار می کردم مدتی است که با...

هزار تومان هم از شورای ده کمک گرفته اند. که با آن دو عدد موتورچاه خریدند و یک موتور دینکر را تعمیر کرده اند و سه حلقه چاه را راه انداخته اند. ۸ نفر از روستاگران هم که خودصنر تمایزی هستند، قبول کرده اند که کارهای مربوط به کشت، داشت و برداشت محصول را بپذیرند، که از این باب تعاونی با آنها ماهیانه مقداری پول میدهند.
جهاد سازندگی نیز در لاری قنات، که ۱۲ سال خشک بوده، به آنها کمک کرده است. ولی هنوز آب قنات تا زمین کانال کشی نشده است. دهقانان انتظار دارند که جهاد سازندگی در کانال کشی آب قنات تا سر کشتزار به آنها کمک کند.
مشکل عمده ای که آنها الان دارند، مشکل آب است. دهقانان می گویند:
«اگر حلاله وقت آب دادن به گندم است، آب به سر کشتزار نرسد، محصول از زمین می رود.
به کنار کشتزارهای گندم می رویم و با چند نفر از دهقانان، که تازه از کار برگشته اند، در زیر سایه درختان به گفتگویی نشیمن.
میرزا آقا، یکی از کشاورزان محمود آباد، به ما می گوید:
«من از بچگی در محمود آباد بودم. زمانی بود که این زمینها نزدیک به ۱۵۰۰ خروار گندم و جو برداشتی داشت. وقتی شاه خاستن اصلاحات ارضی کرد، هوشنگ اسفندیاری، که از دوستان شاه بود، زمینهای اینجا را به کورده ها بخشید. ما در نظر گرفتن اهمیت منابع خاک و کیمیای آن در کشور این سودجویی یک تبهکاری آشکار است، زیرا یکی از مهمترین ثروتهای ملی ما را با باد میدهند. این وضع همچنان ادامه داشت، تا اینکه انقلاب شکوهمند ایران، به رهبری امام خمینی، به پیروزی رسید. روستائیان که با پیروزی انقلاب جان تازه ای گرفته بودند، اول جلوی خاکبرداری از زمینهای کشاورزی را گرفتند، بعد ۳۰۰ هکتار از زمینهای چند مالک بنامهای میونو، سیون جواهری و محمدعلی نیک عهد را مصادره کردند. ۱۰۰ هکتار از مشترکات صورت تعاونی نیز کشت گندم بردند. به این ترتیب که هر یک از این خانواده ها در ابتدا ۲۵۰۰ تومان پرداخته اند و ۱۳۰۰...



سودجویان زمینهای حاصلخیز کشاورزی محمود آباد را میگردند و برای آجرپزی خاکبرداری میکنند

پس از دیگری افزوده شد و خاک زمینهای حاصلخیز این منطقه برای دست کردن آجر مورد بهره برداری قرار گرفت. با این وضع دهقانان دیگر چاره ای نداشتند جز اینکه آواره شهرها بشوند و یا اینکه در همان کسوف پزخانه کاری برای خود دست و پا کنند. با در نظر گرفتن اهمیت منابع خاک و کیمیای آن در کشور این سودجویی یک تبهکاری آشکار است، زیرا یکی از مهمترین ثروتهای ملی ما را با باد میدهند. این وضع همچنان ادامه داشت، تا اینکه انقلاب شکوهمند ایران، به رهبری امام خمینی، به پیروزی رسید. روستائیان که با پیروزی انقلاب جان تازه ای گرفته بودند، اول جلوی خاکبرداری از زمینهای کشاورزی را گرفتند، بعد ۳۰۰ هکتار از زمینهای چند مالک بنامهای میونو، سیون جواهری و محمدعلی نیک عهد را مصادره کردند. ۱۰۰ هکتار از مشترکات صورت تعاونی نیز کشت گندم بردند. به این ترتیب که هر یک از این خانواده ها در ابتدا ۲۵۰۰ تومان پرداخته اند و ۱۳۰۰...

مسئله آبرادر روستای بوم شور هر چه سریعتر حل کنید

روستای بوم شور در پل فسا واقع است. بطور کلی کشاورزی در این روستا صورت دیم است. اکثر اهالی خرمدال هستند ۹۰ خانوار خوش نشین در این روستا زندگی میکنند که بعد از انقلاب ۱۰ هکتار از زمینهای منابع طبیعی را با زحمت فراوان آماده ساخته و گندم کاشته اند.
روستا از نظر آب آشامیدنی در محلیقه است. جهاد سازندگی با همکاری اهالی روستا کار لوله کشی آب به خانه های روستا را به اتمام رسانده است. اقدام نهادهای انقلابی نظیر جهاد سازندگی بسیار مثبت و قابل تقدیر است. مسلماً فعالیت افراد جهاد سازندگی در این جهت که سرمایه ساختمان تأسیسات آبرسانی را به اتمام رسانند و با همت خود روستائیان را از نگرانی بدر آورند، مورد حمایت کامل دهقانان قرار خواهد گرفت و موجب رشد تولید خواهد شد.

وام به روستائیان سیل زده ضروری و مبرم است

بعد از جاری شدن سیل در خوزستان، قریب بر این شد که امری مختصر در اختیار دهقانان و دامداران منطقه گذاشته شود.
از دو ماه قبل از زمینداران درخواستی برای دریافت وام نوشته بودیم. فرماندهی ارسال داشته اند. لیکن تا کنون با وجود اجتم های پردرستی نتیجه ای نگرفته اند. اخیراً فرماندهان به آنها اعلام داشته که وام بخشنامه جدید از برداشت و می مینور است.
دامداران نسبت به این تصمیم شدیداً اعتراض میکنند و معتقدند که عوامل بازممانده رژیم سابق، که هنوز در رأس کارها وجود دارند، نهایت کوشش خود را بکار می برند که زحمتکشان را نسبت به رژیم انقلابی بدین سازند و در نتیجه آنها را از انقلاب دلسرد کنند.
ضمناً دامداران، که بایستی تا اواسط فروردین برای یافتن مراتع مناسب جهت چرای گوسفندان کوچ میگردند، هنوز بخاطر عقب افتادن پرداخت وام همچنان در منطقه ساکن هستند، که این بزیمان دامهاست.
این دامداران جهت رسیدگی به وضع خود به استان خوزستان نیز مراجعه کرده اند. وظیفه مقامات مسئول حکم میکنند نسبت به اینکه موارد مسفولانه عمل کنند و با اقدامات قاطع سعی در تحکیم انقلاب نمایند.

بزرگ مالکی در ایران بود ضد انقلاب و امپریالیسم است. انجام اصلاحات ارضی بنیادی بود دهقانان بی زمین و کم زمین خدمت به تحکیم انقلاب است. کارگران اجرایی سریع طرح تصویبی شورای انقلاب در روستاهای ایران را خواستارند. برقراری اتحاد کارگران و دهقانان

حمایت از تولید کنندگان خرده پا در شهر و ده مورد تأیید کارگران است. مستحکم باد اتحاد طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا

با تصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه ها، باین راه میروند

کودکان این محله پای کوره‌های آهنگری پیر میشوند

مجلات فقر

آهنگران آلونک‌نشین: هر چه بیشتر جان می‌کنیم، فقیرتر میشویم.

در محله بیست‌متری منصور، در خیابان شهباز تهران، کودکان از ۸ سالگی همراه پیرمردان و مردان، روزی ۱۲ ساعت آهنگری میکنند.

مردم محله کسانی که بی‌پایه و پایه‌ها را می‌سازند، اگر راست می‌گویند، یک صبح تا غروب بیایند پامال زندگی کنند.



نمایی از محله پشت دیوارهای محله، که از قیمت حلبی ساخته شده. نمای آجری خانه‌های اطراف را می‌بینید، که خود فقر بیست‌متری منصور را بیشتر نشان می‌دهد.

آلونک‌نشین، کوچ نشینی، زورآباد نشینی، حلبی‌آباد نشینی، نابلون‌آباد نشینی، فقرآباد نشینی و حسرت‌آباد نشینی... یادآور دردناک قرنهای ستم شاه و بقایای منحوس رژیم خونخوار وابسته به امپریالیسم آمریکاست. اکثریتی یکباره فقیر، بیمار، یادگار سالیان دراز استعمار و استثمار، جایی که آدمیان تا آخرین رمق کار می‌کردند، تا کیمه‌های حرمی و آرزوهای، زمین‌داران بزرگ، سرمایه‌داران وابسته و انحصار-های بزرگ جهانی را برکنند. سخن از کوچ‌نشینان و دردمندانی است که امام خمینی، انقلاب را موهون تلاش و جانپاشی پیگیر آنان می‌داند و کشور را متعلق به آنها می‌شمارد.

به تماشای فقرآبادی دیگر می‌رویم، با امید اینکه دولت انقلاب در راستای تکلیفات روشن امام در حمایت از زوجه‌نشینان و کوچ‌نشینان، به قلع و قمع هر چه سریعتر پلایا و مصالحی پردازد که قربان‌گری بگیرد این انسانهای رنج‌دیده بوده و هنوز هست!

آهنگران آلونک‌نشین

اینجا محله آلونک‌نشین خیابان بیست‌متری منصور واقع در انتهای شیب‌ساز جنوبی است. مشخصه این محله نیز مثل تمام محله‌های فقرگرستی، کم‌غذایی، کثافت، پشه، مگس و فاضلاب... است. در این آلونک‌ها، که با توطی‌های روغن‌بانی ساخته شده‌اند، در حدود ۶۰ تا ۷۰ خانوار در بدترین وضع معیشتی زندگی می‌کنند. آدمها رنجور و بیمارگونه به نظر می‌رسند، و صدای پتک و سندان در فضای آلونک‌ها پیچیده است. مردان این محله اغلب بیخ سرکج می‌سازند. میله‌های کوچک آهن در کوره‌های کوچک دستی گذاخته می‌شوند و با دست این آهنگران آواره بصورت دلخواه درمی‌آیند. در این محله از زنها کمتر نشان می‌بینیم. یکی از آهنگران می‌گوید:

مردود و دیروقت برمی‌گردند. معده اخلاقی، اهل خراسان، یکی از آهنگران است که با پتک روی میله‌های آهن می‌کوبد. ۱۷ سال دارد اما بی‌تر به نظر می‌رسد. زن و یک‌بچه دارد. می‌گوید: «روزها از هفت صبح تا هشت شب کار میکنم. معمولاً روزانه بین ۳۰ تا ۵۰ تومان درآمد دارم، که بخور و نمیر خرج میکنم. همه کسایکه اینجا کسار میکنند، خراسانی هستند. ما قبلاً در گودهای هرح‌آباد سابق زندگی می‌کردیم. در دوران طاغوت آلونک‌ها ما را با بلدوز خراب کردند و ما آواره شدیم. کار ما آهنگری است. قبلاً میله‌های آهن را کیلویی دوازده ریال می‌خریدیم. حالا شده ۴۳ ریال. می‌بینید که قیمتها دوربرابر شده. هر چه قیمت آهن بالاتر برود، درآمد ما کمتر میشود.» محمد اخلاقی می‌گوید:

«از آلونک خسته شدم. دولت باید برای مسکن ما فکری بکند. ما کار بدهد. قیمت اجناس را یائین بیاورد. این اصناف است که با روزی سی چهل تومان درآمد، پنج کیلویی هفتده تومان بخریم؟ یعنی برنج که چه عرض کنم، یا این پولها نان خالی هم نمیشود خورد.»

بچه‌ها بجای مدرسه رفتن میخ میسازند!

با یکی دیگر از ساکنان آلونک‌نشین خیابان منصور، به اسم فیضی گفتگو میکنیم. فیضی ابتدا از گفتن نامش برهیز می‌کند. با بر اعتمادی می‌گوید: «شما که از آنها نیستید!» می‌گوید: «از کدامها؟» می‌خواهند به زور ما را وادار

یا کار یا مدرسه

فیضی می‌گوید: «بچه‌های ما ناچارند کار کنند و خرج خودشان را دریاورند.» پسر بچه هشت‌ساله‌ای، پتک سنگینی را روی میله گذاخته می‌کوبد. می‌خواهیم از او بپرسیم

درجهان سوسیالیسم

سیستم آموزشی کشورهای سوسیالیستی

در سده گذشته، سیستم آموزشی کشورهای عضو «شورای همبندی اقتصادی» دگرگونی‌های بنیادی یافته است. در این کشورها، نه تنها همه امتیازات و تمیيزات طبقاتی درگستره آموزش از میان رفته، بلکه آموزش، در همه سطوح، بکلی رایگان است. بیشتر دانشجویان کشورهای عضو «شورای همبندی اقتصادی» از بورس دانشجویی بهره‌مند میشوند.

دزبیر شماره دانشجویان برخی از کشورهای سوسیالیستی به نسبت ده‌ها از شهروند پایکدیگر مقایسه می‌گردد.

کشور	سال تحصیلی	شهروند
بنلارستان	۱۳۵۷/۵۸	۱۰۸
جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی	۱۳۵۷/۵۸	۱۲۱
جمهوری دموکراتیک آلمان	۱۳۵۷/۵۸	۲۶
کوبا	۱۳۵۷/۵۸	۱۳۹
جمهوری توده‌ای منولستان	۱۳۵۷/۵۸	۱۲۵
لهستان	۱۳۵۷/۵۸	۱۳۸
رومانی	۱۳۵۷/۵۸	۸۷
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی	۱۳۵۷/۵۸	۱۹۵

درجهان سرمایه‌داری

تبعیض بین زنان و مردان در کشورهای سرمایه‌داری

بموجب ماده هفتم «معاهده بین‌المللی درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، محسوب ۱۳۴۵، کشورهای امضا کننده تضمین می‌کنند که در کشورهایشان بدون هیچ تبعیضی، در برابر کار مهارت‌زنی، پاداش برابر، پرداخته شود. این کشورها بویژه باید توجه داشته باشند که شرایط کار زنان پدر از مردان نیست و در برابر کار برابر، دستمزد آنها نیز یکسان است.

جدول زیر حقوق زنان برخاسته از کشورهای سرمایه‌داری را بعنوان درصد حقوق مردان در همان کشورها نشان می‌دهد:

کشور	درصد حقوق زنان نسبت به مردان
اسرائیل	۵۶
ایالات متحده آمریکا	۶۰
ترکیه	۶۰
جمهوری فدرال آلمان	۶۵ (تسهامت‌مزد کارگران)
بلژیک	۶۸ (تسهامت‌مزد کارگران)
سوئد	۸۹ (تسهامت کارکنان صنایع)

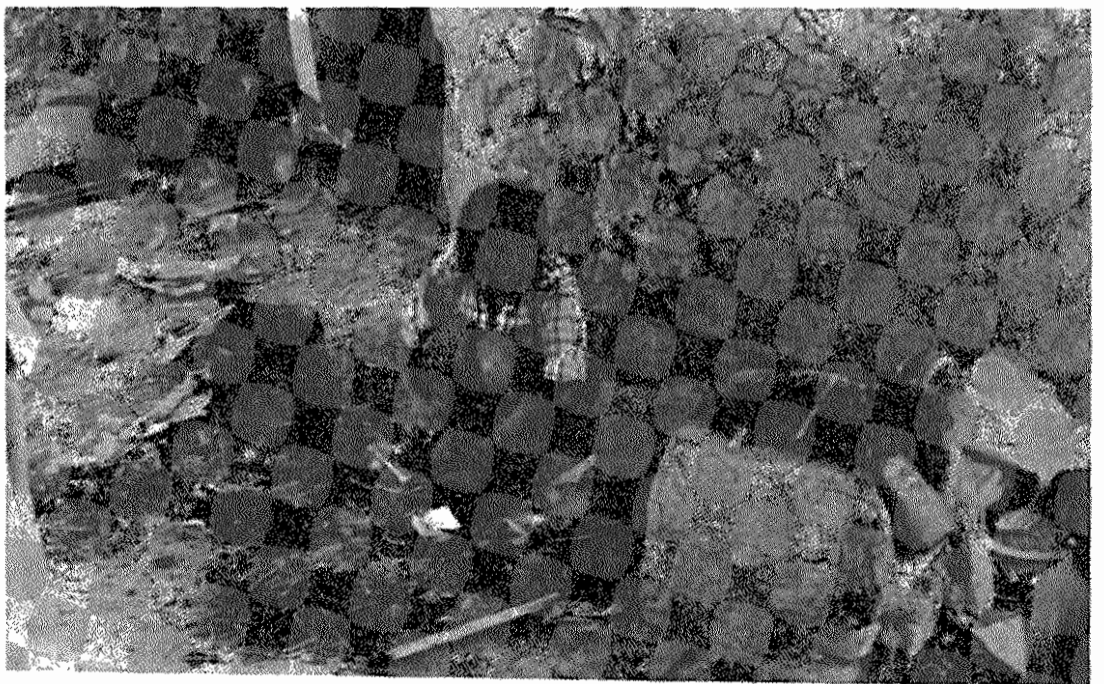
یادآور می‌شویم، که در همه کشورهای سوسیالیستی، در برابر کار برابر، مزد برابر پرداخت می‌گردد.

کنسر و چه مزه‌ای میدهد!

دعاکنان از ما دور میشود، از



دو کودک در آلونکی در پای وسایل آهنگری ناهارشان را می‌خورند: چند قاشق برنج و کمی ماست. این بچه‌ها همینکه بتوانند، برای کار کردن پای کوره خواهند رفت.



عباس ۱۳ سال دارد. حالا باید مدرسه باشد، اما کنار کوره آهنگری سرگرم صاف کردن میخ‌های کج است. حرفه‌ای که در آن پیر میشود.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.



شوخی نیست...

شباهت ناگزیر

در کنفرانس اسلام آباد برای مبارزات، افغانی ۸۰ میلیون دلار جمع آوری شد. (جراید)
مردمان در زیر شاه مخلوع، که از ایران فرار کرده اند، تقسیم گرفته اند به جمع آوری پول جهت سرنگون کردن دولت انقلابی جمهوری اسلامی ایران بپردازند. (انقلاب - می - ۳۱ اردیبهشت).

ضد انقلاب می تازد

در رابطه با تعطیل شدن بنیاد مستضعفین در استان لرستان، سرپرست این بنیاد در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس علت تعطیل شدن این بنیاد را رسوخ سرمایه داران و شتودانها و عوامل آنها در بعضی از ارگانها و حتی نهادهای انقلابی، از جمله دادگاه انقلاب اسلامی خرم آباد دانست. (انقلاب اسلامی - ۳۱ اردیبهشت).

فرماندهارملای با انتشار اطلاعیه‌ای بعنوان اعتراض به وجود عناصر رژیم سابق در ادارات از سمت خود استعفا داد. (اطلاعات - اول خرداد)

در ادامه فرمان انقلابی امام خمینی جهت تهیه مسکن برای مردم مستضعف ایران و در مقابل با کارکنانی که زمین خواران، سودجویان و هواداران ضد انقلابی آنان، که فعالیت‌های ما را به بن بست کشانیده اند. (اطلاعه بنیاد مسکن، کیهان، اول خرداد)

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز در جلسه محاکمه توطئه گران حزب منظم خلق مسلمان گفت:

«بنوان مثال آقای عزیز ژاندارم، که ۳۶ سال سابقه جنایت و زنا و لواط کاری داشت، زیر پوشش این کمیته به فعالیت ضد انقلابی پرداخت...» (کیهان، ۳۱ اردیبهشت).

مثل اینکه بالاخره پاسکاز را باید واقعا جدی گرفت!

تقویت سپا

عکس العمل خشم آلود مردم آمریکا نسبت به مساله گروا تکبری باعث شد که دولت دست راستی هاومیلیتاریسم و سپاه در جامعه آمریکا تقویت شوند... (فرهنگ - نماینده ایران در سازمان ملل - کیهان ۳۱ اردیبهشت)
امان از دست این مردم ایران و این مردم آمریکا مردم ایران و گروگان می گیرند، مردم آمریکا خشکون میشوند و رسماً ناچار میشود خود را تقویت کند!
هر چه می کشیم از دست این مردم است.

امکان ندارد!

روزنامه اطلاعات خبر داد و رسانه های گروهی نیز گفتند که اولین روزنامه مسلمانان شوروی به زبان فارسی در تاشکند منتشر شده. (اطلاعات ۳۱ اردیبهشت)
باور نکنید! اینجا مسلمانان زیر ستم هستند! امکان ندارد بتوانند روزنامه منتشر کنند!

بدون شرح

سخنکوی جنبش امل که به همراه همای به ایران آمده است گفته:
«بر خلاف ادعای لیبی، تمام مدارک دال بر اینست که امام موسی صدر خاک لیبی را ترک کرده و هنوز در لیبی اسپر است.» (کیهان - ۳۱ اردیبهشت)
آیت اله خلیفای پس از سفر به لیبی،
«امام موسی صدر قربانی توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم شده و به قتل رسیده است و از این نظر مسئولیتی متوجه لیبی نیست.» (کیهان - ۱۹ فروردین)

بیکار کردن شاغلین، کمک به ضد انقلاب است

اخیراً عده ای از ناپایان می دهند. شاغل در کارگاه شماره یک ناپایان، نامه ای بدفتر نامه «مردم» فرستادند که در آن ضمن شرح کوتاهی از مبارزات خود علیه رژیم ضد مردمی شاه خائن آورده اند.
در سال ۱۳۴۹ سازمان ملی رفاه ناپایان، تاسیس شد. این سازمان علاوه بر شیمیاتی که در شهرستانها دارد، دارای سه کارگاه در تهران است که حدود ۵۵۰ نفر ناپایان در آنها به تولید کارهای دستی اشتغال دارند. متأسفانه طبق دستور وزیر و چند معاون وزارت بهداشتی روز ۲۱ اردیبهشت در کارگاهها برای ما بستند و عملاً کارگاهها تعطیل شدند.
هر وقت که ناپایان به وزارت بهداشتی مراجعه میکنند و علت تعطیل شدن کارگاهها را جویا میشوند، مسئولین امر ناپایان را به عنوان اخلاک کربلا تری ۹ ویا به کمیته مرکزی امام تحویل میدهند.
ما از مردم ایران سوال میکنیم که آیا این کارها مطابق با احکام اسلام است که عده ای از محرومترین افراد جامعه را مورد تهاجم، ظلم و تعدی قرار دهند.
در آغاز مسئولین ادعا میکردند که مدیران سازمان که او هم ناپایان است... دزدی کرده است. حال که هیچ مددکی علیه او ندارند، باو همت کمونیست بودن میزنند. اگر به فرض محال در کارگاهها و یا در کل سازمان تعدادی اشخاص خلایق پیدا شوند، در هیچ قانونی جرم ۲۰ نفر را حساب ۶۰۰ نفر نمیکند!

ناپایان در پایان نامه اضافه میکنند که خواستار منتشر شدن خواسته های خود هستند. نامه «مردم» در این شرایط بحرانی که بیکاری پیدا میکند، بیکار کردن عده ای از شاغلین فقط راهپیمان اخلاک کربلا تری ۹ ویا به کمیته مرکزی امام تحویل

درباره روش دوستان ما در قبال خانواده و تحصیل

جدی بودن در تحصیل و کسب حرمت و اعتبار در خانواده، ابداً منافسی مبارزه سرسخت و اصولی بودن نیست

تزدیک میشود، بیهیزند. بحث و رویارویی عقیدتی در خانواده گاه پیش می آید، ولی دوستان ما در این بحثها باید مودب، خوددار و با فرم باشند، یعنی وقتی مشاهده میکنند که بحث از مجرای سالم و محبت آمیز خود خارج میشود، با ادب و مراعات آنرا ادامه ندهند و تصریح کنند که آنها قصد تحصیل عقیده خود را بکسی ندارند و روش آنها استدلالی و اقلای است و عقاید افراد را محترم می شمردند. البته مواردی پیش می آید که گناه از جانب دوستان ما نیست و تحصیل و تحکم از طرف مقابل است. گاه دوستان ما با اتمام حجت های تهی از محبت روبرو میشوند. چنین مواردی دیده شده است. شکی نیست که در این حالات وضع پیچیده ای پدید میشود. قبول اتمام حجت و تحکم روا نیست. مقاومت در قبال آن، کار را به گسست می کشاند. چه باید کرد؟

در این موارد باید کلیه امکانات و مقدمات برای حل انسانی و با فرهنگ آن شواوری که پیش آمده، بکار رود. ما از دوستانمان خواستار سیر، تحمل، ادب و خودداری هستیم. اگر علی رغم اینها، امر ناگزیر شود که باید یا از عقیده خود دست کشید و تسلیم شد یا رابطه ای را متوقف گذاشت، طبیعی است که افراد صاحب عقیده، رنج آنرا تحمل میکنند. رنج و حرمان، از اصولی بودن و صاحب عقیده بودن جدا نیست. تمام مبارزه ما یک فنکاری و ایثار است. تمام مبارزه ما از خود گذشتن بخاطر جامعه، بخاطر آینده، بخاطر حقیقت و عدالت است. خود مبارزه برای خوشبختی جامعه، بدبختیها و دشواریهای زندگی شخصی خود را می پذیرد. این تمهید اوست. ولی حتی در این حالت باید رفتار طوری باشد که دیگر افراد ناظر و مطلع، متانت و حقیقت روش فرد تو دهمی را بستانند. نگاه کنید که با خود حزب ما از طرف برخی مخالفانش چه رفتار ناپسندی میشود. ولی حزب دائماً منادی وحدت و پیوند است و آب در آسیاب تفرقه و خصومت بین یاران خلق نمی ریزد. شکیبایی و اصرار بر روی پیوند و دوستی در عین سرسختی در عقاید اصولی خود، رمز محبوبیت و مقبولیت هر فرد و هر سازمانی است. همین اسلوب بطور کلی در خانواده ها نیز مورد کاربرد دارد. بویژه آنکه نقش خانواده در جامعه (که در آن پدرسالاری هنوز دارای سنت است) نقش است نظر گیر و مصنوعیت دوستان ما در خانواده ها، بودن مبارزات عادلانه آنهاست و نباید از این نکته مهم غفلت کرد.

در نامه ها یا اظهارات شفاهی برخی از پدران و مادران این پرسش مطرح میشود: «نظر حزب در مورد برخورد افراد و اعضای نسبت به تحصیل چیست؟ حزب مایل است اعضای وی در خانواده ها چگونه روشی داشته باشند؟»

این مطلب برای حزب ما تازه نیست. در گذشته، در ایام فعالیت جوشان حزب نیز این سوال مطرح میشد و علت طرح آن نیز این بود که برخی از رفقا تصور میکردند که در صورت پرداختن به مبارزه اجتماعی، حق ندارند نسبت به تحصیل بی اعتنا باشند. یا چون دارای اندیشه های سیاسی مترقی هستند، لذا باید نسبت به طرز فکر افراد دیگر خانوادگی جنبه بحثی و انتقادی بخود گیرند و روابط خود را با اعضای خانواده خود بدین سبب بسوی منفی سوق دهند. یا بر عکس، افراد خانواده به شخصیت اجتماعی و استقلال فکری جوانان خود بی توجهی نشان میدهند. روشن است که حزب هرگز با چنین طرز برخورد سانه شده و نادرستی موافق نبوده و نیست.

درست است تلفیق تحصیل با مبارزه گاه دشوار است و بویژه زمانی که مبارزه در اوج است، وظیفه انقلابی ناگزیر خود را بر وظیفه تحصیلی مقدم نشان میدهد. ولی تمام شخصیت یک فرد توده ای در همین در آمیزی وظایف دشوار است. مبارزه اجتماعی، خواه از نظر حزب ما و خواه از نظر پیش انقلابی اسلامی، جزء وظایف انسانی هر کسی است که نخواهد زیر بار دروغ و غارت و ستم برود و در این امر استثنائی بین افراد نیست. همه به مبارزه در راه حقیقت و عدالت موظفند و کسیکه از این وظیفه تن زند و بی طرفی گیرند، خود را عملاً در خدمت کثانی گذارند است. کمناقصان بر ضد خلق است. ولی برای جوانان مبارزی که تحصیل میکنند، این مطلب نیز مطرح است که با نیل به سطوح بالاتر تحصیل علمی و فنی و هنری، بر تاثیر مبارزه اجتماعی خود بیافزایند. ما خواستار آن هستیم که دوستان دانشجو و دانش آموز ما همیشه «درس خواندن» را جدی بگیرند. مطبوعات حزب ما پیوسته این توصیه را کرده است و میکند.

واما در مورد رفتار دوستان ما در خانواده ها ما همیشه مایلیم که این دوستان مورد علاقه و احترام خانواده باشند و از هرگونه رفتاری که منجر به سوء تفاهم و تناقض، بویژه با مادر و پدر و خویشان دلبرند و

ورزش برای همه در اتحاد شوروی



شوند، که خدمات ورزشی مختلطی را در اختیار دانشجویان قرار میدهند، و اگر بعد از کلاس دوم وارد کارخانه شوند، بنوبه خود وارد انجمن ورزشی بورسیتیک خودشان میشوند.

۳۷ انجمن ورزشی از این نوع در اتحاد شوروی وجود دارد که ۷۰۰ نفر از آنها ملی هستند و هر تیم اتحاد شوروی میتواند در آن عضو شود. بقیه بوسیله جمهوریهای جداگانه اداره میشوند.

از این انجمنها در سطح هر جمهوری، یکی برای شهرها و یکی برای روستاها وجود دارد. برای عضو شدن در انجمن ورزشی بورسیتیک یک گواهی پزشکی دائمی بر صحت تندرستی و همچنین مبلغ ۳۰ کوبک (به اندازه قیمت یک کفش ورزشی) میتوان حق ورودی گرفته میشود.

بعد از عضو شدن، شخص می تواند از کلیه وسایل ورزشی انجمن، خدمات مربی، پزشک و متخصصین مربوطه استفاده کند. حق عضویت سالانه نیز به اندازه حق ورودی است.

باید یاد آور شد که دولت هزینه های فعالیت های این انجمنها را تقبل کرده است و این هزینه هر ساله در بودجه سالیانه دولت گنجانده میشود.

همچنین در اتحاد شوروی ۲۲ هزار گروه تربیت بدنی و مراکز ورزشی در سطح توده ای وجود دارد، که هدف آنها بیشتر تربیت و سالم سازی بدن افراد است. هر روز صبح نیز برنامه های تمرینی از رادیو و تلویزیون پخش میشود که تمام مردم از کوبک گرفته تا افراد مسن، با این تمرینات به ورزش می پردازند. این برنامه در حال حاضر ۵ سال است که از رادیو پخش میشود و تلویزیون نیز از ۵ سال پیش به پخش آن پرداخته است.

فرهنگ هر جامعه همراه با تحولات اقتصادی و اجتماعی آن جامعه پیشرفت میکند. ورزش نیز یکی از نهادهای فرهنگی هر جامعه و گسترش آن آمیختن آن با زندگی مردم، نشانگر پیشرفت جامعه است.

برای توده ای کردن ورزش باید کارهای بنیادی و زیر بنایی انجام شود. افراد باید از سنین کودکی با ورزش آشنا شوند، امکانات و تأسیسات وجود آید و آموزشهای لازم جهت استفاده از وسایل برای تربیت و سالم سازی بدن صورت گیرد.

تأسیسات ورزشی در اتحاد شوروی این امکان را بوجود می آورد که ۲۰ میلیون ورزشکار در آن واحد بتوانند در این تأسیسات ورزش کنند.

در اتحاد شوروی افراد از سنین کودکی با ورزش آشنا می شوند و نخستین آموزشها را از همسران و در دبستان بوسیله آموزگاران فمالیتهای فیزیکی این آموزشها ادامه میدهند. پس از آن، این تعلیمات توسط مربیان حرفه ای تکمیل می شود.

در اتحاد شوروی پیش از ۸ هزار مربی حرفه ای وجود دارد، که به کمک ۶ میلیون دستیار تعلیم و تربیت ورزشکاران را بر عهده دارند.

ورزش یکی از دروس اجباری مانند ریاضیات، زبان ملی ویا دیگر دروس، از کلاس اول تا دهم است. کودکان بعد از کلاس درس نیز می توانند بنا به علاقه شخصی خود، در بخش های مختلف ورزشی به فعالیت بپردازند. افرادی که استعداد ورزشی آنها از حد متوسط بیشتر باشد، می توانند علاوه بر دبستان عمومی، در یکی از ۵۶۴۸ مدرسه مقدماتی ورزش شرکت کنند، که از این بین ۷۰۰ مدرسه تخصصی هستند و کودکان رادیک ورزش بخصوص آموزش میدهند و بقیه آنها دارای رشته های مختلف ورزشی است.

بعد از مدارس مقدماتی نیز، افراد اگر وارد موسسه آموزش عالی شوند، میتوانند به انجمن ورزشی به نام «پورتستیک» محلق

از انتشارات حزب توده ایران

منتشر شد

برنامه

حزب توده ایران در شرایط کنونی و آینده

پوش و پاسخ

نورالدین کیانوری

نکاتی از تاریخ حزب توده ایران گفت و شنودی با رفیق نورالدین کیانوری

نامه فروردین
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذرشماره ۶۸۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۵۹
شماره تلکسی: 214081 TPI IR
چاپ: کلریان

MARDOM
No. 244
26 May 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

شماره های گذشته نامه «مردم» از شماره یک تا صد برای فروش به طور تک شماره آماده است
بدفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید

نامه «مردم» بزبان آذربایجانی را روزهای چهارشنبه هر هفته از کلیه کیوسکهای فروش نشریات بخواهید

توضیح و پوش
در شماره ۱۷۷ نامه «مردم» تحت عنوان «آیا راست است»، رئیس شعبه بازادبافک ملی از حامیان رژیم شاه معرفی شده که هنوز هم بفتح رژیم سرنگون شده سلطنتی تبلیغ می کند.
پس از تحقیق بیشتر معلوم شد که این خبر نادرست است. ما بدینوسیله خبر فوق را تصحیح می کنیم و از رئیس بازادبافک ملی که بازادبافک ملی است.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود